



ترجمہ الغارات

سال‌های روایت نشده از حکومت امیر المؤمنین (ع)

با مقدمه علیرضا پناهیان





سرشناسه: ثقفی، ابراهیم بن محمد، ۲۸۳-۲۰۰ ق.
ترجمه الغارات؛ سال‌های روایت‌نشده از حکومت امیرالمؤمنین (ع)
با مقدمه علیرضا پناهیان
ترجمه تحقیق و تنظیم: سید محمود زارعی
مشخصات نشر: تهران: بیان معنوی، ۱۴۰۱، ۳۰۴ ص؛ ۲۱ × ۱۴/۵ س م.
A Translation of Al-Gharat: Untold Years in the Rule of Imam Ali (as)
Whith an introduction by Ali Reza Panahian
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۶۱۳-۸-۳
ISBN: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۶۱۳-۸-۳
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
موضوع: علی بن ابی‌طالب، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. اصحاب
موضوع: معاویه بن ابی‌سفیان، خلیفه اموی، ۲۰ قبل از هجرت - ۶۰ ق.
رده‌بندی کنگره: ۸۰۴۱۴۰۱ ث ۶ ق / BP۴۸
رده‌بندی دیویی: ۳۶۲/۲۱۴
شماره کتابشناسی ملی: ۵۲۸۱۶۰۹

نام کتاب:
ترجمه الغارات؛ سال‌های روایت‌نشده از حکومت امیرالمؤمنین (ع)
با مقدمه علیرضا پناهیان
ناشر: بیان معنوی
ترجمه، تحقیق و تنظیم: سید محمود زارعی
صفحه‌آرایی: محمد جواد بختیاریان
نوبت چاپ: اول - بهار ۱۴۰۱، شمارگان: ۵۰۰۰
قیمت: ۶۰۰۰ تومان
فروشگاه اینترنتی: Bayncenter.ir
وبگاه: Panahian.ir
مرکز پخش: ۷۷۶۵۰۵۷۶-۰۲۱ و ۵۰۳۱۳۰۵۰۹۳۰
پست الکترونیک: Bayan.manavi@gmail.com
شناسه ما در شبکه‌های اجتماعی: [@Panahian_ir](https://www.instagram.com/Panahian_ir)
تمام حقوق برای مؤسسه عصر بیان معنوی محفوظ است.

ترجمه الغارات

سال‌های روایت نشده
از حکومت امیرالمؤمنین (ع)

با مقدمه علیرضا پناهیان

فهرست



۷	مقدمه
۱۳	اشاره
۱۷	توضیحاتی در مورد کتاب حاضر
۲۱	پیوست؛ خلاصه‌ای از دوران خلفا و نیمهٔ اول حکومت امیرالمؤمنین(ع)

۳۱ فضای حاکم بر جامعه پس از جنگ نهروان



۳۳	رابطهٔ مردم با امیرالمؤمنین(ع) بعد از جنگ نهروان
۳۹	بازگشت از نهروان به کوفه برخلاف نظر امام(ع)
۴۳	تلاش امیرالمؤمنین(ع) برای آماده شدن دوبارهٔ مردم برای جنگ با شامیان
۵۱	محورهای اصلی اتفاقات این دوره

۵۳ ۱. تلاش معاویه برای تصرف مناطقی از قلمرو حکومت امام(ع)



۵۵	الف) تصرف مصر
۹۹	ب) تلاش برای تصرف بصره

۱۲۳ ۲. فساد و فرار برخی از اصحاب به سمت معاویه



۱۲۵	دزدی حاکم فارس از بیت المال
۱۲۷	فرار فرماندار گشگر به سوی معاویه
۱۲۹	فرار حاکم منطقهٔ «ری» به سمت معاویه
۱۳۳	فرار نجاشی شاعر به سوی معاویه
۱۳۹	عقیل بن ابی طالب
۱۴۳	فرار یکی از حکام ایالت فارس به سوی معاویه



۳. شورش گروه‌هایی از خوارج

- ۱۴۷ شورش خریث بن راشد
 ۱۴۹ فرستادن معقل برای جنگ با خریث
 ۱۵۹ فرار خریث و فتنه دوباره
 ۱۶۳ نامه امام به طرفداران خریث
 ۱۶۷ جنگ دوباره معقل با خریث
 ۱۷۱ رفتار معقل با بازماندگان جنگ
 ۱۷۳ نظر امام (ع) در مورد شخصیت خریث
 ۱۷۷



۴. اقدامات معاویه برای تصاحب شئون «امیر مؤمنان»

- ۱۷۹ تلاش برای گرفتن زکات مناطق تحت حکومت امام (ع)
 ۱۸۱ تلاش برای در دست گرفتن حج
 ۱۸۵ انتصاب امیر برای مناطق مختلف توسط معاویه
 ۱۹۳



۵. غارات و شبیخون‌های معاویه

- ۱۹۷ غارت ضحاک بن قیس
 ۱۹۹ غارت نعمان بن بشیر
 ۲۰۷ غارت سفیان بن عوف بر انبار
 ۲۱۹ غارت «بُشَیر بن أُرطاة»
 ۲۳۵



پیش‌بینی امام (ع) از عاقبت عدم مقاومت در برابر دشمن

۲۵۹ سیره امیرالمؤمنین (ع)

- ۲۷۱ سیره امام علی (ع) در مورد بیت‌المال مسلمانان
 ۲۷۳ سیره شخصی امیرالمؤمنین (ع)
 ۲۸۱



فهرست‌ها

- ۲۹۵ فهرست منابع
 ۲۹۹ فهرست تفصیلی



مقدمه



شناختن صحیح، جامع و دقیق اسلام، بدون مطالعه تاریخ رسول خدا (ص) ممکن نیست. حتی فهم کامل قرآن و کلمات معصومین (ع) هم بدون درک دقیق تاریخ پیامبر اکرم (ص)، به دست نمی آید.

در مطالعه تاریخ حیات پیامبر اکرم (ص) با مسائل و معماهایی مواجه می شویم که کلید حل آنها در دوران حیات مظلومانه امیرالمومنین (ع) است. بنابراین، بدون درک دقیق تاریخ حیات امیرالمومنین (ع)، نه تاریخ زندگی پیامبر اسلام (ص) به درستی فهمیده می شود و نه شناخت اسلام تحقق پیدا می کند. همان طور که نبوت بدون امامت ناتمام می ماند، فهم رسالت نبوی نیز وابسته به فهم وقایع دوران امامت امام علی (ع) است.

در تاریخ حیات امیرالمؤمنین (ع)، بی‌تردید مهمترین بخش، پنج سال آخر حیات آن حضرت و دوران حکومت ایشان است که با فهم آن، می‌توان به یک جمع‌بندی صحیح از تاریخ صدر اسلام رسید. چرایی و چگونگی نبردهای سه‌گانه امیرالمؤمنین (ع) راز تمام رنج‌های رسول خدا (ص) و رمز غربت امیرالمؤمنین (ع) است و تنوع این نبردها ابعاد مختلف حقایق دین را به نمایش می‌گذارد.

اما جمع‌بندی نهایی و رازگشایی از تمام اسرار تاریخ صدر اسلام، در نیمه دوم حکومت امام علی (ع) است؛ زمانی که دیگر کسی از فرمان امیرالمؤمنین (ع) اطاعت نمی‌کرد و غارت‌های متعدد در مناطق مختلف مملکت اسلامی توسط سربازان شوم معاویه، امیرالمؤمنین (ع) را به ستوه آورده بود. این دوران که دو سال منتهی به شهادت امام علی (ع) را تشکیل می‌دهد، به دوران «غارات» مشهور شده است که نه تنها اسرار گذشته تاریخ اسلام را در خود دارد، بلکه رازهای سربه‌مهر حوادث پس از شهادت امام علی (ع) تا امروز را برملا کرده است؛ به گونه‌ای که اگر ما بخواهیم مقدمه ساز ظهور باشیم، باید بتوانیم از مشکلاتی که امت اسلام در دوران غارات به آن مبتلا بوده‌اند به سلامت عبور کنیم.

شاید فلسفه ابتلا به غارات در پایان دوران تاریخ پرتلاطم صدر اسلام این بوده است که نشان دهد آیا غایت هدف ارسال پیامبران و بعثت انبیا تحقق پیدا کرده است یا نه. در آیه‌ای از قرآن کریم که هدف ارسال رسولان از زاویه‌ای بسیار مهم بیان شده آمده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛

ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم به عدالت قیام کنند.» یعنی پیامبران آمده‌اند که مردم خودشان احساس مسئولیت کرده و قسط را در میان خود اقامه کنند. و در ادامه آمده است: «وَلْيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ؛ تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را، بدون آنکه او را ببینند یاری می‌کند.» (حدید/۲۵) در امتحان بسیار پیچیده و مهم غارات در پایان دوران حکومت امیرالمؤمنین (ع) معلوم شد که مردم هنوز احساس مسئولیت لازم را ندارند و علی‌رغم همه حوادث تلخ گذشته، لزوم نصرت امام را درک نکرده‌اند.

اساساً سه جنگ امیرالمؤمنین (ع) با جهادهای پای رکاب رسول خدا (ص) متفاوت بود؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از مسلمانان و پیروان پیامبر اکرم (ص)، نه تنها حاضر به جهاد پای رکاب امیرالمؤمنین (ع) نشدند، بلکه در جبهه باطل و مقابل آن حضرت قرار گرفتند.

نوع جهاد در ماجرای غارات، با سه جنگ دیگر حضرت هم متفاوت بود؛ مردمی که به شیوه مدیریت خلفای سابق عادت کرده بودند، در جمل و صفین با آن حضرت همراهی کردند، اما وقتی در ماجرای حکمیت دیدند که امیرالمؤمنین (ع) نه آنها را به کاری اجبار می‌کند، و نه با ابزار پول و قبیله‌گرایی به انجام کاری سوق می‌دهد، فهمیدند که می‌شود روی حرف حضرت حرف زد و به دستورات او عمل نکرد. این یعنی امیرالمؤمنین (ع) تنها به احساس مسئولیت خود آنها تکیه کرده است. در چنین شرایطی سپاهیان آن حضرت از همراهی و پیروی ایشان سرباز زدند. به همین دلیل است که می‌بینیم بسیاری از کسانی

که در نبردهای قبلی پای رکاب امیرالمؤمنین (ع) جنگیده بودند، در امتحان غارات مردود شدند. آری؛ این احساس مسئولیت است که نقطه نهایی است که انسان مؤمن باید به آن برسد.

در مقابل، تکیه معاویه بر تهدید و تطمیع و استفاده از نظام قبیله‌گرایی حاکم بر عرب بود، و به همین دلیل دوران غارات، پایان دردآوری برای حکومت امیرالمؤمنین (ع) شد و زمینه‌های سلطه معاویه بر تمام جهان اسلام را فراهم کرد.

عجیب آن است که جنایات معاویه در دوران دوساله غارات، به جای اینکه باعث افزایش نفرت عمومی نسبت به او شده و عزم مردم را برای مقابله با او بیشتر کند، موجب سستی بیشتر مردم و فرار آنها از رویارویی با حمله‌های معاویه می‌شد. گویی معاویه به خوبی از عدم مسئولیت‌پذیری مردم، که عمق ولایت‌مداری است باخبر بود.

کتاب غارات نشان‌دهنده اوج حکمت و بصیرت عالم جلیل‌القدر «ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی» است، که این فصل از حیات غم‌بار و با عظمت امام علی (ع) را مستقلاً دیده و به آن پرداخته است. مطالعه این کتاب و فهم حوادث پیچیده و دردناک آن دوران می‌تواند ما را به درک فلسفه مظلومیت اولیای خدا و فهم راه‌های رفع این مظلومیت رهنمون کند و از مشهوراتی که گاهی دقیق نیستند عبور داده و متن وقایع تاریخ را برای ما به نمایش بگذارد.

آنچه امروزه برای ما مژده نزدیک شدن ظهور و فرج امت اسلامی است، رفتار دلاورمردان بابصیرتی است که تحت عنوان «مدافعان حرم» توانستند از امتحان ابتلا به غارات سربلند بیرون بیایند. ما اگر بتوانیم

در این مسیر، در مقابل انواع غارات و فتنه‌ها مقاومت کنیم و به اشارات امام امت، موجبات نابودی غارتگران را فراهم آوریم، دیری نخواهد پایید که کوفه مجدداً محل استقرار حکومت ولی الله الاعظم (ع) و پایان یافتن دوران غربت امیرالمؤمنین (ع) می‌شود.

سردار با عظمت اسلام، شهید سلیمانی عزیز، کتاب غارات را یک مقتل کامل می‌دانست.^۱ او و هم‌زمانش در جریان مقابله با تروریست‌های غارتگر، دقیقاً در همان مناطق غارات در زمان حکومت امیرالمؤمنین (ع)، به ندای امامشان لبیک گفتند و از غربت تاریخی امیرالمؤمنین علی (ع) غبار غم زدودند. با خواندن کتاب غارات می‌توانیم ارزش والای مدافعان حرم را بهتر درک کنیم.

باید مقتل غارات را برای خود، مقدمه فهم مقتل عاشورا قرار دهیم تا بدانیم چگونه کسانی که در جریان غارات سستی کردند، مبتلا به بلای عظیم یزید شدند و رذالتشان به جایی رسید که نه تنها در مقابل دیدگان آنها خیمه‌های امام غارت شد، بلکه خودشان به غارت خیمه‌های اباعبدالله الحسین (ع) پرداختند.

کتاب مقتل برای یک بار خواندن و آگاه شدن نیست، مقتل را باید مکرر خواند و اندیشید و اشک ریخت. با خواندن جملات دردمندانه امام علی (ع) در مقتل غارات، اثر کلام نورانی و جان‌گداز حضرت در

۱. سردار شهید حاج قاسم سلیمانی: «این کتاب الغارات را که قدیمی‌ترین کتاب شیعه هست بخوانید، حتماً بخوانید، مقتل کامل است. اگر آن را بخوانید، امروز برای این حکومتی که در استمرار حکومت علی بن ابی طالب هست، آگاهانه‌تر و بدون تعصبات فردی و حزبی نگاه می‌کنیم، نظر می‌دهیم و دفاع می‌کنیم.» (۱۳۹۷/۳/۱۷)

قلب ما ظاهر می‌شود و هرگز لحظات هم‌دردی با امیرالمؤمنین (ع) را
فراموش نخواهیم کرد.

علیرضا پناهیان

اشاره



حکومت امیرالمؤمنین (ع) از آخر سال ۳۵ هجری شروع شد و تا زمان شهادت آن حضرت، یعنی رمضان سال ۴۰ به طول انجامید. از این چهار سال و نه ماه، تنها حدود دو سال آن را سه جنگ جمل، صفین و نهروان و حواشی آن در بر گرفته است. و از بعد از جنگ نهروان تا زمان شهادت آن حضرت، بیش از دو سال و نیم طول کشیده است. یعنی بیش از نیمی از حکومت آن حضرت بعد از جنگ نهروان بوده است. به عبارتی دیگر، تمام سه جنگ مهم و مشهور جمل، صفین و نهروان، در دو سال اول حکومت آن حضرت بوده است، و بیش از نیمی از دوران خلافت آن حضرت، پس از جنگ نهروان.

این دوره از حکومت حضرت که می‌توان از آن به دوره «غارات» یاد کرد، دوره‌ای بسیار مهم و عبرت‌آموز و از جهاتی مهم‌تر از دوره اول حکومت آن حضرت است، اما اکثر قریب به اتفاق مردم از این دوره از حکومت حضرت و اتفاقات آن کاملاً بی‌خبر هستند و حتی نام آن را شنیده‌اند و تصور عمومی بر این است که از جنگ نهروان تا شهادت امام علی (ع) فاصله چندانی نبوده است.

این دوره دارای دو ویژگی مهم است که آن را از زمان‌های دیگر متمایز کرده است؛ از طرفی دوره اقدامات متعدد و متنوع معاویه برای تضعیف و حتی ساقط کردن حکومت امیرالمؤمنین (ع) است، که عمده آن، غارت‌ها و شبیخون‌های مکرر معاویه بر شهرها و مناطق تحت قلمرو حکومت امیرالمؤمنین (ع) بوده است؛ غارت‌هایی که در آن، قساوت لشکریان معاویه به جایی رسید که حداقل‌های مردانگی و انسانیت را هم زیر پا گذاشتند و کارهایی را مرتکب شدند که حتی در زمان جاهلیت هم کسی به خود اجازه نمی‌داد آنها را انجام دهد.

از طرف دیگر نیز، دوره سستی و عدم همراهی یاران امیرالمؤمنین (ع) در مواجهه با اقدامات معاویه و تأمین امنیت خود بوده، که باعث شکایت‌ها و مذمت‌های شدید امام (ع) علیه مردم کوفه شده است. تا جایی که می‌بینیم امیرالمؤمنین (ع) در هیچ دوره‌ای از حیات شریف خود، جز این دوره، آرزوی مرگ نکرده است.^۱ آن هم در خطبه عمومی و آن هم نه یک بار، بلکه مکرر.

۱. تنها مطلبی که از امیرالمؤمنین (ع) نقل شده و شاید باعث ایجاد این ذهنیت شود که آن حضرت قبل از این نیز آرزوی مرگ کرده، این دوبیت شعراست:

بنابر آنچه گفته شد، اهمیت مطالعه و بررسی وقایع این دوره و نقش مهم و بی نظیر آن در فهم و تحلیل صحیح زمانه امیرالمؤمنین (ع) و عبرت گرفتن از آن روشن می شود.^۱

نَفْسِي عَلَى زَفَرَاتِهَا مَحْبُوسَةٌ يَا لَيْتَهَا خَرَجَتْ مَعَ الزَّفَرَاتِ
لَا خَيْرَ بَعْدَكَ فِي الْحَيَاةِ وَإِنَّمَا أَبْكِي مَخَافَةَ أَنْ تَطُولَ حَيَاتِي

جان من با ناله های خود حبس شده، ای کاش جان من با ناله هایم خارج می شد
بعد از تو خیری در زندگی نیست، گریه می کنم از اینکه مبادا بعد از تو زیاده زنده بمانم
اما این شعر به افراد مختلفی غیر از امیرالمؤمنین (ع) نیز نسبت داده شده و انتساب آن به
امیرالمؤمنین (ع) نیز در منبع معتبری نقل نشده است. جدا از اینکه این سخن در مقام شعر
است و نمی توان گفت که فرد سراینده در واقع آرزوی مرگ کرده است.
۱. حجت الاسلام دکتر محسن الویری (دانشیار و رئیس گروه تاریخ دانشگاه باقرالعلوم): «مشهور
است که معمولاً در دوران خلافت امیرالمؤمنین (ع) سه رویداد بزرگ یعنی جنگ های جمل و
صفین و نهروان را به عنوان رویدادهای زمان حضرت ذکر می کنند، اما یک رویداد چهارم به نام
«غارات» داریم. اهمیت پدیده غارات اتفاقاً به نظر بنده بیشتر از موارد قبلی است، چون این
مسئله بود که نهایتاً جامعه را به این سمت و سو که خلافت به دست معاویه بیفتد سوق داد.»



توضیحاتی در مورد کتاب حاضر

کتاب حاضر، ترجمه‌ای روان بر کتاب «الغارات» نوشته ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی^۱ متوفای سال ۲۸۳ هجری است که از علمای بنام دوران غیبت صغری بوده است. این کتاب کهن‌ترین منبع موجود در رابطه با نیمه دوم حکومت امیرالمؤمنین (ع) و بحث غارات معاویه بوده و به صورت خاص به بررسی آنها پرداخته است.

خود مرحوم ثقفی در مورد محتوای کتابش این‌گونه می‌نویسد: «این کتاب در مورد رویدادهای رخ داده بین علی (ع) و معاویه و اهل شام بعد از جنگ خوارج است؛ همچنین اخبار یاری خواستن‌های امام (ع) از اهل عراق، سیره آن حضرت، پیشامدهای مربوط به آن حضرت و سخنان ایشان بعد از جنگ نهروان تا زمان شهادت ایشان.»

همان‌طور که پیداست، موضوع اصلی این کتاب که بیشتر حجم آن را دربر گرفته است، وقایع رخ داده میان امام (ع) و معاویه بعد از جنگ نهروان است. اسم کتاب نیز به همین مناسبت انتخاب شده است؛ چون بخش مهمی از این وقایع، «غارت»‌هایی است که معاویه بر مناطق تحت حکومت امیرالمؤمنین (ع) تدارک دیده است.

این کتاب در قرن سوم، یعنی حدود ۱۲۰۰ سال قبل و طبق معیارهای همان زمان نوشته شده است. و برای آنکه برای عموم خوانندگان در روزگار ما قابل استفاده و خواندنی باشد، نیازمند تغییراتی در سبک و ادبیات نوشتاری و همچنین مطالب آورده شده بود که این تغییرات در کتاب حاضر اعمال شده و به شرح زیر است:

۱. در کتاب حاضر، جهت رعایت سوگیری اصلی کتاب و حفظ وجه تمایز اصلی آن، که همان موضوع غارات است، مطالبی که کاملاً غیرمربوط به موضوع اصلی کتاب بوده‌اند و در عین حال، آمدن آنها مانع از روان و خواندنی بودن کتاب برای خوانندگان می‌شد، حذف شده است و در مورد بعضی روایت‌های طولانی که قسمتی از آنها که مربوط به کتاب بوده است، فقط قسمت مرتبط آورده شده یا تلخیص شده است.

۲. روایت‌های مشابه و تکراری که برای عموم خوانندگان ملال‌آور و بی‌فایده است - و موارد زیادی از این دست در کتاب دیده می‌شود - یا حذف شده و به یک روایت مختار اکتفا شده، و یا برای حفظ همه نکات با هم ادغام شده است.

۳. برای اولین بار، محتوای کتاب، در چند فصل کلی تقسیم‌بندی و تحت عناوین و زیرفصل‌ها منظم شده است تا به فهم و مطالعه روان‌تر کتاب کمک کند.

۴. غیر از مطالبی که در ابتدای کتاب اضافه شده است، تنها در پنج جای کتاب، به جهت اهمیت مطلب و نیاز آن به توضیح بیشتر، به «متن کتاب» توضیحاتی اضافه شده است که با عبارت «توضیح مترجم» مشخص شده و از بقیه متن متمایز شده است و بقیه کتاب عیناً ترجمه کتاب الغارات است. همچنین در هر جایی از کتاب که لازم بوده است، توضیحات مختصری در پاورقی اضافه شده تا کسانی که اطلاعات تاریخی کمتری دارند، ارتباط بهتری با کتاب برقرار کنند.

۵. بدنه اصلی کتاب شامل ترجمه سلیس و روان کتاب «الغارات» است. در عین حال در قسمت‌هایی از کتاب، اصل متن عربی سخنان امیرالمؤمنین (ع)، به دلیل برخی ظرافت‌ها و زیبایی‌های سخنان حضرت که جز از طریق خواندن متن عربی مشخص نمی‌شود، و همچنین استفاده محققان، در کنار متن فارسی آورده شده است.

در این کتاب ابتدا مسائلی که مربوط به فضای حاکم بعد از جنگ نهروان است آورده شده، سپس اتفاقات پس از جنگ نهروان تا شهادت امیرالمؤمنین (ع) در پنج محور اصلی دسته‌بندی شده و آمده است. پس از آن پیش‌بینی‌های امام (ع) نسبت به آینده مردم، و در آخر نیز روایاتی در مورد سیره امیرالمؤمنین (ع) که ارتباط کمتری با بحث اصلی کتاب داشته، اما آوردن آنها مفید بوده است گردآوری و ارائه شده است.



پیوست؛ خلاصه‌ای از دوران خلفا و نیمه اول حکومت امیرالمؤمنین (ع)^۱

پس از آنکه رسول خدا (ص) در سال ۱۱ هجری از دنیا رفت، «ابوبکر» به خلافت رسید. او دو سال و سه ماه خلیفه بود. او پس از آنکه از نبرد با مخالفان و مرتدان در داخل حکومت اسلامی فارغ شد، به فتح سرزمین‌های دیگر پرداخت و حیره، قسمت‌هایی از عراق و دمشق را در این مدت فتح کرد. در سال ۱۳ هجری، «عمر» به وصیت ابوبکر به خلافت رسید و فتوحات را پی گرفت. در زمان او مصر و شمال آفریقا،

۱. این بخش خلاصه‌ای کوتاه از دوران خلفا و حوادث دوسال اول حکومت امیرالمؤمنین (ع) است که به فهم فضای بعد از جنگ نهروان (نیمه دوم حکومت حضرت و محتوای کتاب غارات) کمک می‌کند و مطالعه آن برای مخاطبانی که با اتفاقات این دوره آشنایی کمتری دارند بسیار مفید است.

بقیه سرزمین عراق و شامات و قسمت‌های غربی ایران فتح شد. او پس از ده سال و نیم خلافت، به دست فردی به نام فیروز مجروح شد و بر اثر آن درگذشت.

پس از او عثمان به خلافت رسید و ۱۲ سال خلافت را بر عهده داشت. فتوحات در دوران عثمان هم ادامه یافت و فارس، کرمان، خراسان، هرات، کابل و بلخ توسط مسلمانان تصرف شد.

سال‌های پایانی خلافت خلیفه سوم، با اقداماتی از طرف او همراه شد که نارضایتی عمومی مسلمانان را در پی داشت و منجر به شورش مردم علیه او شد. انتخاب فرمانداران بی‌کفایت تنها به دلیل خویشاوندی با شخص خلیفه، بذل و بخشش‌های فراوان از بیت‌المال به خاندان بنی‌امیه، برخوردهای نامناسب با صحابه رسول خدا (ص)، به کارگرفتن مطرودین پیامبر اکرم (ص) در امور حکومتی و... کارهایی بود که باعث خشم مردم علیه خلیفه سوم شد و در نتیجه عده‌ای از مردم مصر، کوفه، بصره و مدینه بر او شورش کردند و پس از محاصره‌ای ۴۰ روزه، او را به قتل رساندند.

پس از کشته شدن خلیفه سوم، امیرالمؤمنین (ع) در روز ۱۸ ذی‌الحجه سال ۳۵ هجری، به اصرار مردم به خلافت ظاهری رسید و ۴ سال و نه ماه در این منصب بود. مردم در مدینه با آن حضرت بیعت کردند. در آن زمان، پایتخت حکومت اسلامی مدینه بود و بعد از جنگ جمل به کوفه منتقل شد.

حدود ۴ ماه بعد از بیعت مردم با امیرالمؤمنین (ع)، طلحه و زبیر، که از گرفتن پست و مقام در حکومت آن حضرت ناامید شده بودند،

به مکه رفتند و با عایشه، همسر پیامبر، دیدار کردند و نقشه جنگ با امیرالمؤمنین (ع) را ریختند. عایشه و طلحه و زبیر به بهانه خونخواهی خلیفه سوم و با حدود ۹۰۰ نفر از مکه به سمت بصره حرکت کردند تا در آنجا با طرفدارانشان همراه شوند و با امیرالمؤمنین (ع) بجنگند.

امام علی (ع) نیز با حدود ۷۰۰ نفر از مدینه حرکت کرد و در ذی قار (شهری بین بصره و کوفه) توقف کرد تا از سپاهیان حکومت اسلامی از کوفه به آن حضرت ملحق شوند. کوفه شهری بود که در زمان خلیفه دوم به وجود آمده بود و محل استقرار نیروهای نظامی حکومت اسلامی بود. در نهایت مردم کوفه به آن حضرت ملحق شدند و جنگ جمل به وقوع پیوست. در این جنگ طلحه و زبیر و هزاران نفر از یاران آنها کشته شدند و امیرالمؤمنین (ع) پیروز شد. عایشه هم ابتدا به بصره منتقل شد و پس از آن او را به مدینه فرستادند. امام (ع) پس از جنگ جمل به کوفه رفت و آن شهر را پایتخت حکومت خودش قرار داد.

با شروع خلافت امیرالمؤمنین (ع)، تمام استاندارانی که توسط خلیفه سوم نصب شده بودند عزل شدند و فرد جدیدی به جای آنها منصوب شد، به جز دو نفر؛ یکی ابوموسی اشعری، که مالک اشتر واسطه شد تا امام علی (ع) او را بر فرمانداری کوفه باقی بگذارد، و دیگری معاویه، که به بهانه خونخواهی عثمان و مشروع نبودن حکومت امیرالمؤمنین (ع) حاضر به تحویل فرمانداری شام نشد.

نامه‌نگاری‌های حضرت به معاویه و تلاش برای اینکه معاویه بپذیرد که ولایت شام را تحویل دهد به جایی نرسید؛ در نتیجه سپاهیان امیرالمؤمنین (ع) ۴ ماه بعد از جنگ جمل به سمت شام حرکت کردند

و در منطقه‌ای به نام «صفین» با سپاهیان معاویه روبرو شدند. جنگ به صورت رسمی در ابتدای ماه صفر سال ۳۷ شروع شد و دو لشکر دوازده روز با هم جنگیدند. در شب آخر و پس از کشته شدن هزاران نفر از طرفین، یکی از منافقین لشکر امیرالمؤمنین (ع) خطبه خواند و گفت: «اگر جنگ به همین صورت ادامه یابد، باعث از بین رفتن نسل عرب خواهد شد.» وقتی این خبر به معاویه رسید، به پیشنهاد عمرو عاص دستور داد قرآن‌ها را بر سر نیزه بزنند و از لشکر امام بخواهند که قرآن بین دو سپاه حَکَم و داور قرار بگیرد.

این چنین شد که با وجود مخالفت امیرالمؤمنین (ع)، بیشتر سپاه آن حضرت به حکمیت مایل شدند و أبوموسیٰ اشعری (والی کوفه در زمان خلیفه سوم که در جریان جنگ جمل از منصبش عزل شد) را به عنوان نماینده خود برای این کار انتخاب کردند. بنابراین دو سپاه به سمت شام و کوفه حرکت کردند و قرار شد دو حَکَم هفت ماه بعد (بعد از ماه رمضان) در دومة الجندل با هم دیدار کنند و بر اساس قرآن بین دو گروه داوری کنند.

در نتیجه جنگ صفین، به خاطر سادگی عده‌ای و خیانت بعضی دیگر، با وجود اینکه هزاران نفر از مردم کوفه در این جنگ کشته شده بودند و سپاه عراق در آستانه پیروزی بود، با خدعه عمرو عاص، جنگ تمام شد و کار به حکمیت کشید و دو لشکر به شام و کوفه برگشتند. در راه بازگشت سپاه امیرالمؤمنین (ع) به کوفه، عده‌ای از سپاهیان امیرالمؤمنین (ع) از کرده خود پشیمان شدند و شروع به سرزنش یکدیگر کردند و راه خود را جدا کردند و وارد کوفه نشدند و به «حروراء» (در

نزدیکی کوفه) رفتند و حرفشان این بود که قبول حکمیت کاری اشتباه بوده است و باید سریعاً به جنگ با معاویه برویم. اما امیرالمؤمنین (ع) حاضر نبود عهده‌ی که با معاویه بسته است را نقض کند و می‌فرمود باید منتظر صدور حکم حکمین بمانیم. بعدها به این گروه معترض «خوارج» گفته شد.

خوارج تا مدت‌ها به مخالفت با امیرالمؤمنین (ع) می‌پرداختند و در عین حال به کوفه رفت و آمد می‌کردند و حتی به خاطر اینکه امیرالمؤمنین (ع) سخن آنان را نپذیرفته و حاضر به نقض عهد نشده، به آن حضرت نسبت کفر می‌دادند.

حکمیت در زمان مقرر بین ابوموسی اشعری و عمر عاص صورت گرفت، اما نتیجه‌ای دربرنداشت؛ چون حکم آن دو نفر، چنان که شرط شده بود، مطابق با قرآن نبود. بنابراین امیرالمؤمنین (ع) تصمیم گرفت دوباره به جنگ شامیان برود.

امیرالمؤمنین (ع) در نُخَیله (اردوگاه نظامی نزدیک کوفه) و در حال آماده شدن برای رفتن دوباره به جنگ با معاویه بود که اخبار جنایات خوارج در حق مردم عادی به آن حضرت و لشکریانش رسید. گروهی از خوارج، «عبدالله بن حَبَّاب» را به دلیل عدم براءت از علی (ع) گردن زده و شکم زن باردار او را دریده بودند. این حادثه باعث شد لشکریان بگویند با این وضعیت ناامنی، نوامیس ما در کوفه در خطرند. اول باید تکلیف خوارج را روشن کنیم و پس از فارغ شدن از آنها به سمت شام برویم.

خوارج در آن زمان برای جنگ با امیرالمؤمنین (ع) در محلی به نام نهروان، تجمع کرده بودند؛ به همین دلیل در بین راه رفتن به سمت شام، امیرالمؤمنین (ع) و سپاهیان‌ش راه خود را به سمت نهروان کج کردند و خود را به آنجا رساندند. امام علی (ع)، طبق معمول ابتدا با آنها صحبت کرد و تلاش کرد آنها را از راهی که انتخاب کرده‌اند منصرف کند. در نتیجه اکثر آنها از جنگ کناره‌گیری کردند. اما کسانی که باقی ماندند، همگی جز تعداد بسیار کمی کشته شدند و جنگ با پیروزی امیرالمؤمنین (ع) و یارانش در مدت بسیار کوتاهی خاتمه یافت.

خوارج در عین حال که افرادی ساده‌اندیش بودند، اما افرادی مجاهد و عابد و زاهد بودند. در نتیجه این جنگ حدود چهار هزار نفر از یاران سابق امیرالمؤمنین (ع) کشته شدند که بسیاری از آنها از اقوام و دوستان و نزدیکان سپاه امیرالمؤمنین (ع) بودند.

مهم ترین وقایع حکومت امیرالمؤمنین در یک نگاه

سال	۱ محرم	۲ صفر	۳ ربیع الاول	۴ ربیع الثانی	۵ جمادی الاولی	۶ جمادی الثانی
۳۵						
۳۶	تغییر استانداریان و ارسال نامه عزل معاویه			خروج اهل جمل از مکه و حرکت به سمت بصره	نامه‌نگاری امام برای جلوگیری از جنگ	جنگ جمل
۳۷	آتش بس در ماه حرام و مذاکرات بین طرفین	آغار جنگ صفین، قرارداد حکمیت	دوم؛ بازگشت به کوفه، جدا شدن خوارج و رفتن به حروراء	مناظره فرستادگان امیرالمؤمنین (ع) با خوارج		
۳۸	حرکت مجدد سپاه امام به سمت صفین و تغییر مسیر به سمت نهروان	جنگ نهروان	غارث ضحاک بن قیس؛ فرستادن حجر بن عدی برای مقابله			غارث نعمان بن بشیر و پیروزی مالک بن کعب بر او
۳۹	شهادت مالک اشتر در راه مصر	تصرف مصر توسط عمرو عاص و شهادت محمد بن ابی بکر		اقدام معاویه برای تصرف بصره	شکست فرستاده معاویه به بصره	
۴۰	فرستادن معقل برای مقابله با یزید بن شجره		تلاش معاویه برای گرفتن زکات دومة الجندل		غارث بسر بن اوطاة	غارث بسر بن اوطاة؛ فرستادن جاریه برای مقابله

۷ رجب	۸ شعبان	۹ رمضان	۱۰ شوال	۱۱ ذی القعدة	۱۲ ذی الحجة
رسیدن از جمل به کوفه و تغییر مرکز خلافت به کوفه	نامه‌نگاری امیرالمؤمنین (ع) بامعاویه	نامه‌نگاری امیرالمؤمنین (ع) بامعاویه	حرکت به سمت صفین	مواجه شدن دو سپاه؛ گرفتن فرات و بستن آب توسط معاویه	بیعت مردم با امام (ع) و آغاز خلافت در مدینه
		مذاکرات در دومة الجندل و پایان ماجرای حکمیت	رفتن خوارج به سمت مدائن و نهر روان		آتش بس پس از آزادسازی آب از دست معاویه
	تلاش معاویه برای گرفتن زکات سماوه				آشوب در مصر به تحریک معاویه
تلاش معاویه برای گرفتن زکات تیماء	غارت انبار توسط سفیان بن عوف	اعزام سعید بن قیس برای جنگ با سفیان	فراخوان امام (ع) برای رفتن به جنگ معاویه		تعیین یزید بن شجره برای سرپرستی حجاج توسط معاویه
درگیری جاریه و بُسر بن اوطاة در حجاز	تلاش امام برای جمع‌آوری سپاه برای جنگ با معاویه	شهادت امام (ع)			

شما در حال مشاهده فایل نمونه کتاب "ترجمه الغارات" هستید. این نمونه رایگان صرفاً شامل قسمت‌هایی از کتاب است.

برای خرید کتاب به نشانی زیر مراجعه فرمایید:

<http://panahian.ir/post/3200>



فضای حاکم بر جامعه پس از جنگ نهروان

- رابطه مردم با امیرالمؤمنین (ع) بعد از جنگ نهروان
- بازگشت از نهروان به کوفه برخلاف نظر امام (ع)
- تلاش امیرالمؤمنین (ع) برای آماده شدن دوباره مردم برای جنگ با شامیان
- محورهای اصلی اتفاقات این دوره

شما در حال مشاهده فایل نمونه کتاب "ترجمه الغارات" هستید. این نمونه رایگان صرفاً شامل قسمت‌هایی از کتاب است.

برای خرید کتاب به نشانی زیر مراجعه فرمایید:

<http://panahian.ir/post/3200>



رابطه مردم با امیرالمؤمنین (ع) بعد از جنگ نهروان

بکر بن عیسی نقل می‌کند که مردم امیرالمؤمنین (ع) را نمی‌خواستند. در دلشان شک و فتنه رخنه کرده بود و به دنیا‌گرایی پیدا کرده بودند و یاران و خیرخواهان آن حضرت کم شده بودند. مردم بصره با آن حضرت مخالف بودند و کینه او را در دل داشتند.^۱ همچنین بیشتر اهل کوفه، قراء کوفه، اهل حجاز، اهل شام و همه قریش با آن حضرت بددل بودند. در حجاز، ابوهزیره و عبدالله بن عمرو و عبدالله بن زبیر و زید بن ثابت و قبیصة بن ذؤیب و عروزة بن زبیر و سعید بن مسیب از مخالفان علی (ع) بودند. بنی‌امیه نیز همگی مخالف آن حضرت بودند.

۱. کینه مردم بصره از امیرالمؤمنین (ع) به دلیل کشته شدن هزاران نفر از مردم بصره توسط آن حضرت در جنگ جمل بوده است.

امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمود: «خدایا از تو در مقابله با قریش یاری می‌خواهم، آنها رسم خویشاوندی با من را زیر پا گذاشتند، مرا محروم کردند، مقام و منزلت بالای من را كوچك شمردند و بر نزاع و درگیری با من متحد شدند.»

ابوفاخته می‌گوید نزد علی (ع) نشسته بودم که مردی که مشخص بود تازه از سفر رسیده است آمد و گفت: «یا امیرالمؤمنین! من از شهری پیش تو آمده‌ام که هیچ‌کس در آنجا تو را دوست ندارد.» حضرت پرسید: «از کجا آمده‌ای؟» گفت: «از بصره.» حضرت فرمود: «اگر آنها می‌توانستند مرا دوست بدارند، دوست می‌داشتند. من و شیعیانم در عهد و پیمان خداییم تا روز قیامت، نه يك نفر بر تعداد ما افزوده می‌شود و نه يك نفر کم می‌شود.»

اشراف کوفه با علی (ع) دورویی می‌کردند و دل‌هایشان با معاویه بود. زیرا علی (ع) از غنائم به کسی بیش از حقش نمی‌داد، در حالی که معاویه بن ابی سفیان فقط به خاطر اینکه کسی جزء اشراف بود دو هزار درهم به او می‌داد.

بعد از جنگ نهروان روزی امیرالمؤمنین (ع) بر عده‌ای از قبیله همدان^۱ می‌گذشت. عده‌ای نزدیک آمدند و گفتند: «چرا مسلمانان را بدون اینکه جرمی داشته باشند کُشتی، در کار خدا مسامحه کردی، دنبال حکومت کردن بودی و انسان‌ها را در دین خدا حَکَم قرار دادی؟

۱. قبیله «همدان» یکی از قبایل معروف شیعه یمن است. کوفه در زمان امیرالمؤمنین (ع) متشکل از نظامیانی بود که از مناطق و قبایل مختلف در آن شهر جمع شده بودند و یکی از آنها قبیله همدان از یمن بوده است.

هیچ حکمی جز حکم خدا نیست!» حضرت به آنها جواب داد: «حکم خدا بر گردن شما است! چه چیزی مانع شده که شقی ترین انسان ریش مرا از خون سرم رنگین کند؟ من یا می میرم یا کشته می شوم، نه، کشته می شوم.» سپس رفت و وارد دارالخلافه شد.

روزی در حالی که امیرالمؤمنین (ع) بر فراز منبر خطبه می خواند، زنی از طایفه «بنی عبس» آمد و گفت: «یا امیرالمؤمنین! سه چیز است که باعث تشویش دل ها می شود. حضرت پرسید: «آنها چیست؟» گفت: «رضایت دادن تو به حکمیت، اینکه حقارت و پستی را پذیرفتی و ناراحت شدن تو هنگام بلا و مصیبت.»^۱

با وجود اینکه اکثر کوفه طرفداران امیرالمؤمنین (ع) بودند، از فقهای کوفه بودند کسانی که با آن حضرت دشمنی می کردند، کینه اش را به دل داشتند، او را یاری نمی کردند و از اطاعتش خارج شده بودند. از میان آنها می توان از مَرْءَةُ هَمْدَانِ، مسروق بن أجدع، أسود بن یزید، شَقیق بن سَلَمه و... نام برد.

یحیی فرزند عروه بن زبیر می گوید: زمانی که پیش پدرم علی (ع) را یاد می کردند، آن حضرت را سرزنش می کرد و می گفت: «پسرم! به خدا قسم مردم از او برگشتند مگر برای اینکه علی (ع) کارهایی را انجام

۱. هرچند کسی از محققین در مورد این سه موضوع توضیحی نداده است، اما به نظر می رسد او به سه چیز اعتراض داشته است؛ یکی قبول حکمیت توسط حضرت، دوم اینکه امام (ع) قبول کرد در پیش نویس حکمیت، به دلیل اعتراض شامیان، عنوان «امیرالمؤمنین» از ابتدای اسمش حذف شود، و سوم ناراحتی آن حضرت در پی آماده نشدن مردم برای جنگ با معاویه. مورد اول و دوم بارها در اعتراضات خوارج به امیرالمؤمنین (ع) در تاریخ ثبت و منعکس شده است.

شما در حال مشاهده فایل نمونه کتاب "ترجمه الغارات" هستید. این نمونه رایگان صرفاً شامل قسمت‌هایی از کتاب است.

برای خرید کتاب به نشانی زیر مراجعه فرمایید:

<http://panahian.ir/post/3200>

شما در حال مشاهده فایل نمونه کتاب "ترجمه الغارات" هستید. این نمونه رایگان صرفاً شامل قسمت‌هایی از کتاب است.

برای خرید کتاب به نشانی زیر مراجعه فرمایید:

<http://panahian.ir/post/3200>



۱. تلاش معاویه برای تصرف مناطق از قلمرو حکومت امام (ع)

• الف) تصرف مصر

• ب) تلاش برای تصرف بصره



الف) تصرف مصر

اوضاع مصر در انتهای خلافت عثمان

«محمد بن ابی حذیفه» کسی بود که اهالی مصر را به کشتن عثمان ترغیب می‌کرد.^۱ اما زمانی که مصری‌ها به مدینه رفتند و خانه عثمان را محاصره کردند، او در مصر مانده بود و بر «عبدالله بن ابی سرح»^۲، که

۱. محمد بن ابی حذیفه، فرزند ابوحذیفه صحابی بزرگ رسول خدا(ص) بود. ابوحذیفه در جنگ یمامه و در رکاب رسول خدا(ص) به شهادت رسید. پس از شهادت ابوحذیفه، عثمان کفالت فرزندش محمد را بر عهده گرفت و تحت حمایت خود قرارداد. با وجود اینکه محمد از خویشان عثمان بود و تحت تکفل او بزرگ شده بود، از یاران امیرالمؤمنین(ع) و مخالفین سرسخت عثمان شد. سرانجام او پس از تصرف مصر توسط معاویه در اواخر حکومت امام علی(ع) به دست معاویه به شهادت رسید.

۲. عبدالله بن ابی سرح برادر رضاعی عثمان بود. او زمانی در مدینه کاتب قرآن بود، اما مرتد شد

فرماندار منصوب عثمان در آنجا بود شورش کرد و او را از شهر بیرون نمود و خودش امام جماعت مردم شد. ابن ابی سرح از مصر بیرون آمد و به مرز مصر و فلسطین رفت و منتظر شد تا ببیند از عثمان چه خبری می‌رسد.

او در همان جا بود که سواری از راه رسید. ابن ابی سرح از او پرسید: «ای بنده خدا چه خبری آورده‌ای؟» سوار گفت: «مسلمانان عثمان را کشتند.» ابن ابی سرح گفت: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، بعد چه کردند؟» سوار گفت: «با پسرعموی رسول خدا (ص) علی بن ابی طالب (ع) بیعت کردند.» ابن ابی سرح گفت: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ.» آن مرد گفت: «گویا حکومت علی (ع) برای تو مثل قتل عثمان سخت است؟» ابن ابی سرح گفت: «بله.» آن سوار خوب به او نگاه کرد و گفت: «مثل اینکه تو عبدالله بن ابی سرح، امیر مصر هستی؟» گفت: «درست است.» آن مرد گفت: «اگر می‌خواهی زنده بمانی زود فرار کن؛ چون قطعاً امیرالمؤمنین (ع) درباره تو و یارانت نظر بدی دارد. اگر دستش به شما برسد یا شما را خواهد کشت یا از بلاد مسلمانان تبعید خواهد کرد؛ بعد از من هم فرمانداری که برای مصر معین شده از راه خواهد رسید.» ابن ابی سرح پرسید: «او کیست؟» سوار گفت: «قیس بن سعد.» ابن ابی سرح گفت: «خداوند محمد بن ابی حذیفه را از رحمت خود دور کند که در حق

و به مکه گریخت. هنگام فتح مکه، علی رغم عفو عمومی، پیامبر (ص) او را مهدورالدم اعلام کرد و فرمود: «هرکس عبدالله بن ابی سرح را یافت او را بکشد، اگرچه به پرده کعبه چنگ زده باشد.» با وجود این، با شفاعت عثمان و علی رغم دستور پیامبر (ص)، او زنده ماند و در زمان خلافت عثمان، فرماندار مصر شد.

شما در حال مشاهده فایل نمونه کتاب "ترجمه الغارات" هستید. این نمونه رایگان صرفاً شامل قسمت‌هایی از کتاب است.

برای خرید کتاب به نشانی زیر مراجعه فرمایید:

<http://panahian.ir/post/3200>

شما در حال مشاهده فایل نمونه کتاب "ترجمه الغارات" هستید. این نمونه رایگان صرفاً شامل قسمت‌هایی از کتاب است.

برای خرید کتاب به نشانی زیر مراجعه فرمایید:

<http://panahian.ir/post/3200>

زیاد بن أبیه نامه‌ای به امیرالمؤمنین(ع) نوشت و در آن اتفاقات بصره را برای حضرت توضیح داد:

«بندۀ صالح خدا جاریۀ بن قدامه از طرف تو آمد و همراه با جمعی از ازدیان که برای کمک به او جمع شده بودند، در مقابل ابن حضرمی مقاومت کرد و او را شکست داد و مجبورش کرد که با عده‌ی زیادی از یارانش به یکی از خانه‌های بصره پناه ببرد. ابن حضرمی و یارانش از آنجا بیرون نیامدند تا اینکه کشته شدند. بعضی در آتش سوختند، بر سر بعضی دیوار خراب شد، بر سر بعضی سقف فرو ریخت، بعضی هم با شمشیر کشته شدند. چند نفری هم سالم ماندند که توبه کردند و مورد عفو قرار گرفتند.»

وقتی نامه‌ی زیاد رسید، امیرالمؤمنین(ع) آن را برای مردم خواند و خوشحال شد و یارانش هم شادمان شدند و جاریۀ بن قدامه و قبیلۀ ازد را ستودند و بصریان را مذمت کردند.



۲. فساد و فرار برخی از اصحاب به سمت معاویه

- دزدی حاکم فارس از بیت المال
- فرار فرماندار گشگر به سوی معاویه
- فرار حاکم منطقه «ری» به سمت معاویه
- فرار نجاشی شاعر به سوی معاویه
- عقیل بن ابی طالب
- فراریکی از حکام ایالت فارس به سوی معاویه



ابوذر از رسول خدا (ص) نقل کرده است که آن حضرت فرمود: «مَنْ فَارَقَنِي فَقَدْ فَارَقَ اللَّهَ وَ مَنْ فَارَقَ عَلِيًّا فَقَدْ فَارَقَنِي؛ هرکس از من جدا شود از خدا جدا شده است و هرکس از علی (ع) جدا شود از من جدا شده است.»

یکی از مشکلاتی که پس از جنگ نهروان و نمایان شدن سستی یاران امیرالمؤمنین (ع) برای حکومت آن حضرت به وجود آمد، این بود که هرکس از اصحاب حضرت که خیانتی می کرد یا به دنیا گرایی پیدا می کرد، برای خود مأمنی سراغ داشت که از دست امیرالمؤمنین (ع) بگریزد و به آن پناه ببرد، که آن مأمن، شام و قرار گرفتن تحت حمایت معاویه بود. در نتیجه عده ای از اصحاب امیرالمؤمنین (ع) خیانت کرده و به سمت شام می گریختند.



دزدی حاکم فارس از بیت المال

علی (ع) مُنذِر بن جَارُود را حاکم فارس قرار داد. او چهارصد هزار درهم مالیات از مردم جمع‌آوری کرد و آنها را برای خودش برداشت. امیرالمؤمنین (ع) او را به زندان انداخت. صعصعة بن صوحان پیش امام (ع) شفاعت کرد و در کار او به جد ایستاد تا توانست او را از زندان آزاد کند.^۱

۱. تاریخ یعقوبی داستان را به این صورت نقل کرده که «صعصعة بن صوحان ضمانت کرد که آن مبلغ را بپردازد» و عبارت الغارات هم به همین صورت قابل تفسیر است. (تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰۴)

شما در حال مشاهده فایل نمونه کتاب "ترجمه الغارات" هستید. این نمونه رایگان صرفاً شامل قسمت‌هایی از کتاب است.

برای خرید کتاب به نشانی زیر مراجعه فرمایید:

<http://panahian.ir/post/3200>

شما در حال مشاهده فایل نمونه کتاب "ترجمه الغارات" هستید. این نمونه رایگان صرفاً شامل قسمت‌هایی از کتاب است.

برای خرید کتاب به نشانی زیر مراجعه فرمایید:

<http://panahian.ir/post/3200>



۳. شورش گروه‌هایی از خوارج

- شورش خریط بن راشد
- فرستادن معقل برای جنگ با خریط
- فرار خریط و فتنه دوباره
- نامه امام به طرفداران خریط
- جنگ دوباره معقل با خریط
- رفتار معقل با بازماندگان جنگ
- نظر امام (ع) در مورد شخصیت خریط



توضیح مترجم: پس از جریان حکمیت و به وجود آمدن خوارج، گروه‌هایی با همین اعتقادات، در بعضی از مناطق تحت حکومت امام (ع) دست به شورش زدند و حکومت امیرالمؤمنین را تحت تأثیر خود قرار دادند. بزرگ‌ترین این شورش‌ها شورش «خزّیت بن راشد» بود که گزارش آن به تفصیل در کتاب الغارات آمده است. بنابر گزارش‌های تاریخی، تعداد این شورش‌ها هفت عدد بوده است.^۱

این شورش‌ها چه به دلیل القائات و نفوذ معاویه بوده باشد، و چه به دلیل ساده‌اندیشی و تکفیر امیرالمؤمنین (ع) توسط خوارج، در هر حال مانند اقدامات معاویه باعث تضعیف حکومت امیرالمؤمنین (ع) می‌شده است.

۱. برای اطلاعات بیشتر رک: مقالات الإسلامیین، اشعری، ج ۱، ص ۱۱۳.



شورش خَریت بن راشد

خَریت بن راشد همراه با امیرالمؤمنین (ع) در جنگ صفین شرکت کرده بود. روزی بعد از جنگ صفین و پایان قضایای حکمیت، همراه با سی نفر از یارانش که دور او را گرفته بودند نزد امیرالمؤمنین (ع) آمد و به ایشان گفت: «به خدا قسم امر تو را اطاعت نمی‌کنم و پشت سرت نماز نمی‌خوانم و فردا تو را ترک خواهم کرد.» حضرت به او فرمود: «مادرت به عزایت بنشیند، اگر این کار را بکنی عهد خودت را شکسته‌ای و پروردگارت را معصیت کرده‌ای و فقط به خودت ضرر زده‌ای. چرا می‌خواهی این کار را بکنی؟» خَریت گفت: «چون تو حکمیت در مورد قرآن را پذیرفتی و نمی‌توانی حق را یاری کنی و به قومی که به خود ستم

کرده‌اند اعتماد کردی. به همین دلیل در مقابل تو هستم و با آنها نیز دشمنم و از هر دو طرف کناره‌گیری می‌کنم.»

حضرت به او فرمود: «وای بر تو! پیش من بیا تا با تو بحث کرده و در مورد سنت‌ها مناظره کنم، دریچه‌هایی از حق را به رویت باز کنم که من بیشتر از تو آنها را می‌دانم، شاید چیزی را که الان منکرش هستی بشناسی، و به چیزی که الان نمی‌بینی و نسبت به آن نادان هستی بصیرت پیدا کنی.»

خریّت گفت: «فردا به پیش تو برمی‌گردم.» حضرت فرمود: «فردا بیا. مبادا شیطان تو را فریب دهد و فکر بد، تو را به هلاکت بیندازد. نادان‌هایی که حقیقت را نمی‌دانند تو را منحرف نکنند. به خدا قسم اگر از من راهنمایی بخواهی و نصیحت من را قبول کنی، تو را به راه راست هدایت می‌کنم.» خریّت به خانه‌اش برگشت.

عبدالله بن قعین می‌گوید من سریعاً به دنبال خریّت رفتم. یکی از پسرعموهای او دوست من بود، قصد کردم که پسرعمویش را بدین منظور ببینم و او را از گفتگوی خریّت با امیرالمؤمنین (ع) باخبر کنم، و به پسرعمویش بگویم که با او با درستی صحبت کند و از او بخواهد که از امیرالمؤمنین (ع) اطاعت کند و خیرخواه او باشد، و به او بگوید که خیر دنیا و آخرت او در همین است.

عبدالله می‌گوید دنبال او رفتم تا به منزلش رسیدم. او پیش از من داخل خانه شده بود. دم در ایستادم. در خانه عده‌ای از یارانش بودند که هنگام گفتگویش با علی (ع) حضور نداشتند. به خدا قسم، نه از نظرش برگشته بود و نه از آنچه به علی (ع) گفته بود پشیمان بود.

شما در حال مشاهده فایل نمونه کتاب "ترجمه الغارات" هستید. این نمونه رایگان صرفاً شامل قسمت‌هایی از کتاب است.

برای خرید کتاب به نشانی زیر مراجعه فرمایید:

<http://panahian.ir/post/3200>

شما در حال مشاهده فایل نمونه کتاب "ترجمه الغارات" هستید. این نمونه رایگان صرفاً شامل قسمت‌هایی از کتاب است.

برای خرید کتاب به نشانی زیر مراجعه فرمایید:

<http://panahian.ir/post/3200>



۴. اقدامات معاویه برای تصاحب شئون «امیر مؤمنان»

- تلاش برای گرفتن زکات مناطق تحت حکومت امام (ع)
- تلاش برای در دست گرفتن حج
- انتصاب امیر برای مناطق مختلف توسط معاویه



توضیح مترجم: از دیگر اقدامات معاویه در این دوره، تلاش برای جمع کردن صدقات و زکات شهرهایی بود که در محدوده قلمرو حکومت امیرالمؤمنین (ع) قرار داشت. همچنین معاویه تلاش داشت اداره امور حج را - که از شئون حکومت است - به دست بگیرد و به این صورت حاکمیت امیرالمؤمنین (ع) را ضعیف جلوه دهد و خلافتی را که با فریب دادن ابوموسی و صوری به دست آورده بود تحکیم کند.



تلاش برای گرفتن زکات مناطق تحت حکومت امام(ع)

گرفتن زکات سماوه

معاویه فردی به نام «زهیر بن مکحول عامری» را مأمور کرد که به «سماوه»^۱ رفته و از مردم زکات بگیرد. وقتی خبر آن به امیرالمؤمنین (ع) رسید، «جلاس بن عمیر» و «عمرو بن مالک بن عشبّه» و «جعفر بن عبدالله اشجعی» را همراه با گروهی مأمور جنگ با فرستاده معاویه کرد. میان فرستادگان امام و زهیر جنگ سختی درگرفت و زهیر یاران

۱. جمع‌آوری صدقات شهر سماوه که در جنوب کوفه و به فاصله کمی از آن قرار داشت توسط معاویه، علاوه بر گرفتن این منبع مالی از حکومت امام، نشان دهنده ضعف شدید حکومت مرکزی بود؛ معاویه با این کار قصد داشت هم قلمرو تحت نفوذ خود را بسیار وسیع نشان دهد و هم حکومت امام را آنچنان ضعیف معرفی کند که حتی از کنترل مناطقی نزدیک به پایتخت خود نیز عاجز است.

حضرت را شکست داد. عمرو بن مالک و اشجعی فرار کرده و خود را نزد امیرالمؤمنین (ع) رساندند. وقتی حضرت عمرو را که فرمانده بقیه بود دید، از او پرسید: «آیا شکست خوردی؟» و با تازیانه کوچکی که در دست داشت بر سر او زد. عمرو ساکت ماند. اما وقتی از پیش حضرت بیرون آمد به سوی معاویه گریخت. امیرالمؤمنین (ع) نیز جمعی را به خانه اش فرستاد تا خرابش کنند.^۱

تلاش برای گرفتن صدقات دومة الجندل^۲

مردم دومة الجندل پس از ماجرای حکمیت، نه حاضر به اطاعت از امیرالمؤمنین (ع) بودند و نه معاویه، و می‌گفتند ما بر همین حال می‌مانیم تا زمانی که مردم بر یک امام توافق کنند.

معاویه روزی به یاد آنها افتاد و فردی به نام «مسلم بن عقبه» را به سوی آنها فرستاد. مسلم بن عقبه به دومة الجندل رفت و آنها را محاصره کرد و از آنها خواست که زکاتشان را به او بدهند. وقتی امیرالمؤمنین (ع)

۱. در انساب الأشراف در مورد همین واقعه آمده است که حضرت به او گفت: «جَبُنْتُ وَ تَعَصَّبْتُ فَأَنْهَزْتُ؛ ترسیدی و تعصب به خرج داری و به همین دلیل شکست خوردی.» (انساب الأشراف، بلاذری، ج ۲، ۴۶۵) بر اساس این گزارش و اینکه ظاهراً هم فرمانده لشکر امام (ع) و هم فرمانده لشکر معاویه از قبیله بنی عامر بوده‌اند، به دست می‌آید که آنچه باعث شکست سپاه امام (ع) شده است، سستی و کوتاهی فرمانده لشکر امام (ع) به دلیل ترس و تعصب قبیله‌ای بوده و بنابراین توبیخ عمرو بن مالک منطقی و موجه بوده است. همچنین «درة» که امیرالمؤمنین (ع) بر سر عمرو زد، تازیانه کوچکی بوده است که برای تنبیه دادن به کار می‌رفته است، نه برای مجازات کردن.

۲. دومة الجندل امروزه شهری در شمال غربی عربستان سعودی و در نزدیکی مرز اردن است. این شهر در صدر اسلام جزء منطقه شام محسوب می‌شد.

از این اقدام معاویه باخبر شد، به «مالک بن کعب» که والی امام بر منطقه عین التمر (در نزدیکی کوفه) بود نامه نوشت و به او دستور داد که فرد دیگری را جانشین خودش قرار داده و به کوفه برود. وقتی مالک بن کعب به کوفه رسید، حضرت او را همراه با هزار نفر به جنگ با مسلم بن عقبه فرستاد.

مالک سریعاً خود را به مسلم رساند و پس از مدت کمی با او درگیر جنگ شد. جنگ دو گروه تا شب طول کشید و هیچ یک از طرفین بر دیگری پیروز نشد. اما صبح روز بعد مسلم و یارانش به سمت شام فرار کردند. مالک بن کعب هم ده روز در دومة الجندل ماند و مردم آنجا را به صلح دعوت کرد، اما آنها نپذیرفتند و او به کوفه برگشت.^۱

۱. علاوه بر این طبری نقل کرده است که معاویه در سال ۳۹، هزار و هفتصد نفر را به فرماندهی «عبدالله بن مسعوده فزاری» به «تیماء» فرستاد و به او دستور داد که در راه، هر کس را دید زکات و صدقات او را بگیرد و هر کس از دادن آن امتناع کرد بکشد و پس از آن به حجاز و مدینه و مکه برود. وقتی خبر به امام رسید، «مسیب بن نجبه فزاری» را به جنگ با او فرستاد. او در تیماء به دشمن رسید و با آنها درگیر شد. دولشکریک روز با هم جنگیدند. در نتیجه فرستاده معاویه مجروح شد، عده‌ای از یارانش به سمت شام فرار کردند و خودش و باقی مانده یارانش توسط مسیب محاصره شدند. اما وقتی مسیب قصد داشت او و یارانش را بکشد، چون دوفرمانده از یک قبیله بودند، اطرافیان مسیب تعصب قبیله‌گی او را تحریک کرده و او را تحت تأثیر قرار دادند. همین باعث شد که مسیب به آنها مهلت بیشتری دهد و در این مهلت آنها به سمت شام فرار کنند. (تاریخ طبری، ج ۵، صص ۱۳۴-۱۳۵)

شما در حال مشاهده فایل نمونه کتاب "ترجمه الغارات" هستید. این نمونه رایگان صرفاً شامل قسمت‌هایی از کتاب است.

برای خرید کتاب به نشانی زیر مراجعه فرمایید:

<http://panahian.ir/post/3200>

شما در حال مشاهده فایل نمونه کتاب "ترجمه الغارات" هستید. این نمونه رایگان صرفاً شامل قسمت‌هایی از کتاب است.

برای خرید کتاب به نشانی زیر مراجعه بفرمایید:

<http://panahian.ir/post/3200>



۵. غارات و شبنخون های معاویه

- غارت ضحاک بن قیس
- غارت نُعمان بن بشیر
- غارت سفیان بن عوف بر انبار
- غارت بُشر بن أرطاة



غارت ضحاک بن قیس^۱

نخستین غارتی که توسط معاویه در عراق صورت گرفت، غارت ضحاک بن قیس بود که بعد از جنگ نهروان اتفاق افتاد.^۲

۱. ضحاک بن قیس در زمان خلافت ابوبکر، عازم جنگ با رومیان شد. در زمان خلافت عمر در فتح دمشق شرکت کرد و بعد از آن ساکن دمشق شد. از ابتدا با معاویه رابطه خوبی داشت. در جنگ صفین از طرف معاویه در مذاکرات پیش نویس حکمیت حضور داشت و بعد از جنگ نهروان فرمانده غارت مناطقی از عراق شد. او همچنان در خدمت امویان بود تا در زمان «مروان حکم» با عبدالله بن زبیر بیعت کرد و با مروان جنگید، اما در جنگ شکست خورده و کشته شد.

۲. معنی «غارت» در کتب لغت به صورت زیر آمده است:

* هجوم بردن به دشمن و آسیب زدن به او (المصباح المنیر، فیومی، ج ۲، ص ۴۵۶)
* غارتگر کسی است که اموال را به یغما می برد و وارد شدنش مانند وارد شدن سارق است و خارج شدنش مانند کسی که تاراج کرده و به غنیمت می برد. (النهايه في غريب الأثر، ابن اثیر،

معاویه در دمشق بود که به او خبر رسید که علی (ع) بعد از مشخص شدن رأی حکمین، آماده جنگ با شامیان شده و می‌خواهد به سمت آنها بیاید. معاویه از شنیدن این خبر به وحشت افتاد و در بیرون دمشق اردو زد و به اطراف شام پیک فرستاد تا مردم را از این موضوع باخبر کنند. نامه‌ای هم نوشت و فرمان داد که آن را برای همه مردم بخوانند:

«ما و علی (ع) عهد و پیمانی نوشته بودیم و شروطی قرار داده بودیم و دو نفر را انتخاب کردیم که درباره ما بر طبق قرآن حکم کرده و از آن عدول نکنند. و قرار گذاشتیم که هرکس پیمان شکنی کرد، مانند آن است که عهد و پیمان خدا را شکسته است. آن داور که من برگزیده بودم مرا بر منصب خلافت گذاشت و آن داور که علی برگزیده بود، او را خلع کرد. اکنون علی (ع) ظالمانه به سوی شما می‌آید؛ با بهترین ساز و برگ آماده جنگ شوید و سلاح‌های خودتان را آماده کنید.»

مردم از همه شهرهای اطراف به سوی او آمدند و آماده رفتن دوباره به صفین شدند. معاویه با بزرگان سپاه خود به مشورت نشست که به کجا بروند و در کجا منتظر آمدن سپاه امیرالمؤمنین (ع) شوند. نظر بعضی

ج ۴، ص ۳۹۴؛ لسان العرب، ابن منظور، ج ۵، ص ۳۶)
 * بر آنها غارت برد: به آنها حمله کرده و به آنها خسارت زد. (المعجم الوسیط، ابراهیم مصطفی، ج ۲، ص ۶۶۵)

۱. امیرالمؤمنین (ع) در خطبه‌ای دلیل قبول نکردن رأی حکمین را این‌گونه اعلام فرمود: «ما از آن دو نفر قول گرفتیم که از حدود قرآن تجاوز نکنند، ولی آنها قرآن را رها کردند و حق را ترک نمودند، در حالی که حق را می‌دانستند، و چون جور و ستم را می‌خواستند به همان راه رفتند، در حالی که قبل از آنکه ظالمانه داوری کنند، با آنها شرط کردیم که به عدالت حکم کنند و حق را در نظر داشته باشند.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷)

رفتن به صفین بود و برخی هم بر این نظر بودند که معاویه لشکر خود را تا داخل قلمرو امیرالمؤمنین (ع) در منطقه جزیره پیش ببرد، اما معاویه معتقد بود سپاهش طاقت آن را ندارند. دو یا سه روز به همین گفتگوها گذشت که جاسوسان آمدند و خبر آوردند که عده ای از یاران امام (ع) از او جدا شده اند و با او مخالفت کرده اند و امام به جنگ آنها رفته است. معاویه و یارانش از این خبر بسیار خوشحال شدند.

معاویه و لشکریانش همچنان در بیرون دمشق آماده نبرد بودند و می ترسیدند که امیرالمؤمنین (ع) از کار خوارج فارغ شود و راهی جنگ با آنان شود. طولی نکشید که خبر رسید که امام (ع) خوارج را کشته است و بعد از آن می خواسته به جنگ شام بیاید، اما یارانش برای جنگ دوباره از او مهلت خواسته اند. این خبر نیز معاویه و اطرافیانش را شادمان کرد.

معاویه همین که خیالش از لشکرکشی امیرالمؤمنین (ع) به سمت شام راحت شد، بلافاصله «ضحاک بن قیس» را فراخواند و به او گفت: «حرکت کن تا به منطقه کوفه برسی. اگر به بادیه نشینی برخورد کردی که در اطاعت علی (ع) بود، به او حمله کن و اگر در راه به نگهبانان شهر یا سواران مسلح لشکر علی (ع) رسیدی به آنها شبیخون بزن. اگر صبح در جایی بودی، در آنجا توقف نکن و عصر را در جای دیگری باش. اگر گفتند که سواران به جنگ تو می آیند برای رویارویی با آنها منتظر نمان.» سپس او را با سه الی چهار هزار سوار روانه غارت کرد.

ضحاک به سوی کوفه آمد. اموال مردم را می گرفت، و هر بادیه نشینی می دید می کشت. وقتی به ثعلبیه رسید، سپاهش بر قافله حاجیان

حمله کردند و اموالشان را دزدیدند. در راهی که می‌آمد، عمرو بن عُمیس (یکی از اصحاب امیرالمؤمنین) و جمعی از همراهانش را کشت.

جواب ندادن مردم به ندای یاری‌خواهی امام (ع)

امیرالمؤمنین (ع) به میان مردم آمد و بر منبر رفت و فرمود:

«يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ اخْرُجُوا إِلَى الْعَبْدِ الصَّالِحِ عَمْرُو بْنِ عُمَيْسٍ وَإِلَى جُيُوشِ لَكُمْ قَدْ أَصِيبَ مِنْهَا طَرْفٌ اخْرُجُوا فَقاتِلُوا عَدُوَّكُمْ وَامْنَعُوا حَرِيمَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ.

ای مردم کوفه! برای انتقام بنده صالح خدا عمرو بن عُمیس و یاری لشکرهايتان که مورد هجوم واقع شده‌اند خارج شوید. خارج شوید و با دشمنان بجنگید و حریم خودتان را حفظ کنید.»
مردم پاسخ ضعیفی به آن حضرت دادند. وقتی حضرت ناتوانی و سستی را در وجود آنها مشاهده کرد فرمود:

«وَاللَّهِ لَوَدِدْتُ أَنَّ لِي بِكُلِّ مِائَةِ رَجُلٍ مِنْكُمْ رَجُلًا مِنْهُمْ. وَيَحَكُمُ اخْرُجُوا مَعِيَ ثُمَّ فَرُّوا عَنِّي إِنْ بَدَأَ لَكُمْ، فَوَاللَّهِ مَا أَكْرَهَ لِقَاءَ رَبِّي عَلَى نَيْتِي وَبَصِيرَتِي وَفِي ذَلِكَ رَوْحٌ لِي عَظِيمٌ وَفَرَجٌ مِنْ مُنَاجَاتِكُمْ وَمُقَاسَاتِكُمْ وَمُدَارَاتِكُمْ.

به خدا قسم دوست دارم به جای هر صد نفر از شما یکی از آنها را داشتم. وای بر شما! با من برای جنگ خارج شوید، سپس اگر خواستید فرار کنید! به خدا قسم دیدار با پروردگارم را با همین نیت و بصیرتی که دارم

شما در حال مشاهده فایل نمونه کتاب "ترجمه الغارات" هستید. این نمونه رایگان صرفاً شامل قسمت‌هایی از کتاب است.

برای خرید کتاب به نشانی زیر مراجعه فرمایید:

<http://panahian.ir/post/3200>

شما در حال مشاهده فایل نمونه کتاب "ترجمه الغارات" هستید. این نمونه رایگان صرفاً شامل قسمت‌هایی از کتاب است.

برای خرید کتاب به نشانی زیر مراجعه فرمایید:

<http://panahian.ir/post/3200>



پیش‌بینی امام (ع) از عاقبت عدم مقاومت در برابر دشمن

- به وضعی گرفتار می‌شوید که آرزو می‌کنید کاش همراه من می‌جنگیدید و کشته می‌شدید
- زمانی به یاد می‌آورید که در جهاد چه منافی بود که یادآوری سودی ندارد
- یا می‌جنگید یا گرفتار عذاب زمامداران بد می‌شوید
- پس از من بلاها بر شما فرود خواهد آمد
- پیش‌بینی اختلاف و کشتار پس از آن حضرت



به وضعی گرفتار می شوید که آرزو می کنید کاش همراه من می جنگیدید و کشته می شدید

امیرالمؤمنین (ع) در خطبه ای فرمود:

«أَيُّهَا النَّاسُ الْمُجْتَمِعَةُ أَبَدَانُهُمُ الْمُتَفَرِّقَةُ أَهْوَاؤُهُمْ! مَا عَزَّ مِنْ دَعَاكُمْ
وَلَا اسْتِرَاحَ مَنْ قَاسَاكُمْ، كَلَامُكُمْ يُوهِنُ الصَّمَّ الصَّلَابَ، وَفِعْلُكُمْ
يُطْمِعُ فِيكُمْ عَدُوَّكُمْ... مَنْ فَازَ بِكُمْ فَازَ بِالسَّهْمِ الْأَخِيبِ. أَصَبَحْتُ لَا
أُصَدِّقُ قَوْلَكُمْ، وَلَا أَطْمَعُ فِي نَصْرِكُمْ، فَزَقَ اللَّهُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ. أَيُّ دَارٍ
بَعْدَ دَارِكُمْ تَمْنَعُونَ؟! وَمَعَ أَيِّ إِمَامٍ بَعْدِي تُقَاتِلُونَ؟ أَمَا إِنَّكُمْ سَتَلْقَوْنَ
بَعْدِي أَثَرَهُ يَتَّخِذُهَا عَلَيْكُمْ الصَّلَاةُ سُنَّةً، وَفَقْرًا يَدْخُلُ بُيُوتَكُمْ وَ
سَيْفًا قَاطِعًا، وَتَتَمَتَّعُونَ عِنْدَ ذَلِكَ أَنْتُمْ رَأْيِثُمُونِي وَ قَاتَلْتُمْ مَعِي وَ
قُتِلْتُمْ دُونِي وَكَأَنَّ قَدْ.

ای مردمی که با بدن‌هایتان در یکجا جمع شده‌اید و خواسته‌هایتان پراکنده است. آنکه شما را به یاری فراخواند، پیروز نمی‌شود و آنکه شما گریبان‌گیرش شوید، روی آسودگی نمی‌بیند. سخن شما سنگ‌های سخت را سست می‌کند و اعمال شما دشمنانتان را به طمع می‌اندازد که بر شما مسلط شود... کسی که بخواهد با شما پیروز شود مانند کسی است که با تیر بی‌سوفار به دنبال پیروزی است. دیگر سخن شما را باور نمی‌کنم و به یاری شما امید نمی‌بندم. خدا میان من و شما جدایی بیندازد. وقتی خانه نداشته باشید از کدام خانه دفاع می‌کنید؟ و بعد از من همراه کدام امام به جنگ می‌روید؟ بدانید که پس از من به استبدادی گرفتار می‌شوید که گمراهان آن را شیوه خودشان قرار خواهند داد. و فقر و شمشیر برنده به خانه‌هایتان خواهد آمد. در آن زمان آرزو می‌کنید که کاش مرا می‌دیدید و همراه من می‌جنگیدید و کشته می‌شدید. آنچه به شما گفتم به زودی اتفاق خواهد افتاد.»

زمانی به یاد می‌آورید که در جهاد چه منافعی بود که یادآوری سودی ندارد

امیرالمؤمنین (ع) در جای دیگری به مردم کوفه فرمود: «می‌بینم که این قوم - یعنی اهل شام - بر شما مسلط شده‌اند.» گفتند: «یا امیرالمؤمنین بر چه اساس چنین می‌گویی؟» فرمود:

۱. سوفار شکافی در قسمت انتهایی تیر است که چله کمان در آن قرار می‌گیرد و اگر این شکاف نباشد تیر اندازی ممکن نیست.

شما در حال مشاهده فایل نمونه کتاب "ترجمه الغارات" هستید. این نمونه رایگان صرفاً شامل قسمت‌هایی از کتاب است.

برای خرید کتاب به نشانی زیر مراجعه فرمایید:

<http://panahian.ir/post/3200>

شما در حال مشاهده فایل نمونه کتاب "ترجمه الغارات" هستید. این نمونه رایگان صرفاً شامل قسمت‌هایی از کتاب است.

برای خرید کتاب به نشانی زیر مراجعه فرمایید:

<http://panahian.ir/post/3200>



سیره امیرالمؤمنین (ع)

- سیره امام علی (ع) در مورد بیت المال مسلمانان
- سیره شخصی امیرالمؤمنین (ع)



سیره امام علی (ع) در مورد بیت المال مسلمانان

جارو کردن بیت المال

امیرالمؤمنین (ع) هر هفته قبل از رسیدن روز جمعه بیت المال را بین مسلمین تقسیم می کرد و وقتی که جمعه فرا می رسید، محل نگهداری اموال حکومت (بیت المال) را جارو می کرد و آب می پاشید. سپس در آنجا دو رکعت نماز به جا می آورد و خطاب به آن محل می فرمود: «در روز قیامت شهادت بده که من مالی از مسلمانان را در تو نگه نداشتم.» از آن حضرت روایت شده است که فرمود: «محبوب من رسول خدا (ص) چیزی برای فردا ذخیره نمی کرد. ابوبکر نیز چنین می کرد، اما عمر دیوان هایی ترتیب داد و اموال را برای سال بعد ذخیره کرد. اما من به همان صورت عمل می کنم که محبوبم رسول الله (ص) عمل می کرد.»

تقسیم مساوی بیت‌المال بین مردم

برای امیرالمؤمنین (ع) مالی از اصفهان رسید. حضرت برخاست تا به کاروان اموال رسید. مردم نیز ازدحام کرده بودند. حضرت چند نخ گرفت و آنها را به هم گره زد و به دور اموال کشید و فرمود: «هیچ‌کس حق ندارد داخل این محدوده بیاید!» کوفه در آن زمان هفت محله بود و هفت امیر داشت. حضرت سران محله‌ها را فراخواند و با کمک آنها اموال را به هفت قسمت تقسیم کرد. حتی نانی که در میان اموال بود را نیز شکست و هفت قسمت کرد و بر هر قسمت تکه‌ای از آن نان را قرار داد. سپس با قرعه‌کشی هر سهم را به یک محله اختصاص داد.

شعبی نقل می‌کند که زمانی که من کودک بودم علی بن ابی طالب (ع) را دیدم که بین دو تپه طلا و نقره ایستاده بود. دیدم که آن اموال را بین مردم تقسیم کرد تا هیچ‌کس از آن باقی نماند و خودش با دست خالی به خانه برگشت. من پیش پدرم رفتم و گفتم: «نمی‌دانم که امروز بهترین مردم را دیده‌ام یا احمق‌ترین آنها را!» پدرم گفت: «پسرم چه کسی را دیده‌ای؟» گفتم: «امیرالمؤمنین (ع) را» و آنچه دیده بودم را شرح دادم. پدرم گریست و گفت: «پسرم، بهترین مردم را دیده‌ای.»

درخواست برخی اصحاب برای ترجیح اشرف

دو زن هنگام تقسیم اموال خدمت امیرالمؤمنین (ع) رسیدند که یکی عرب بود و دیگری غیرعرب. حضرت سهم آن دو را از بیت‌المال به طور مساوی داد؛ هرکدام بیست و پنج درهم و مقداری خوراک.

شما در حال مشاهده فایل نمونه کتاب "ترجمه الغارات" هستید. این نمونه رایگان صرفاً شامل قسمت‌هایی از کتاب است.

برای خرید کتاب به نشانی زیر مراجعه فرمایید:

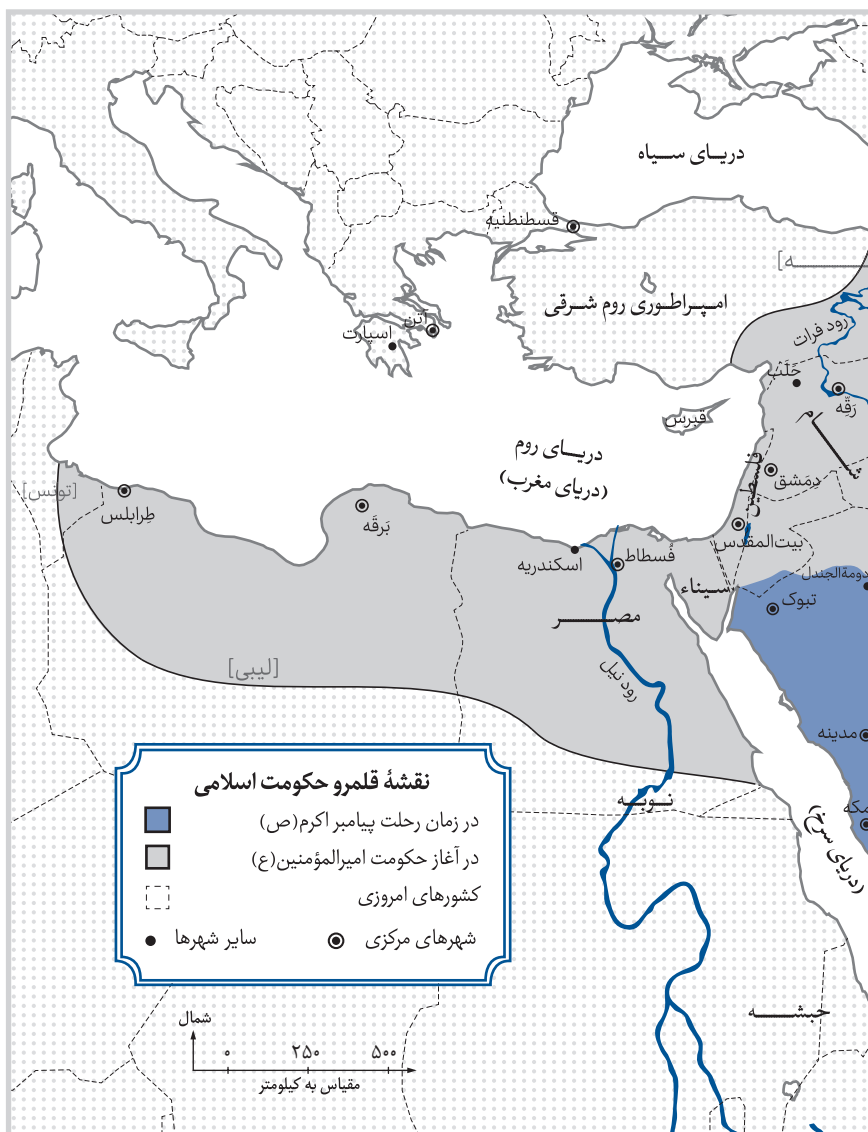
<http://panahian.ir/post/3200>

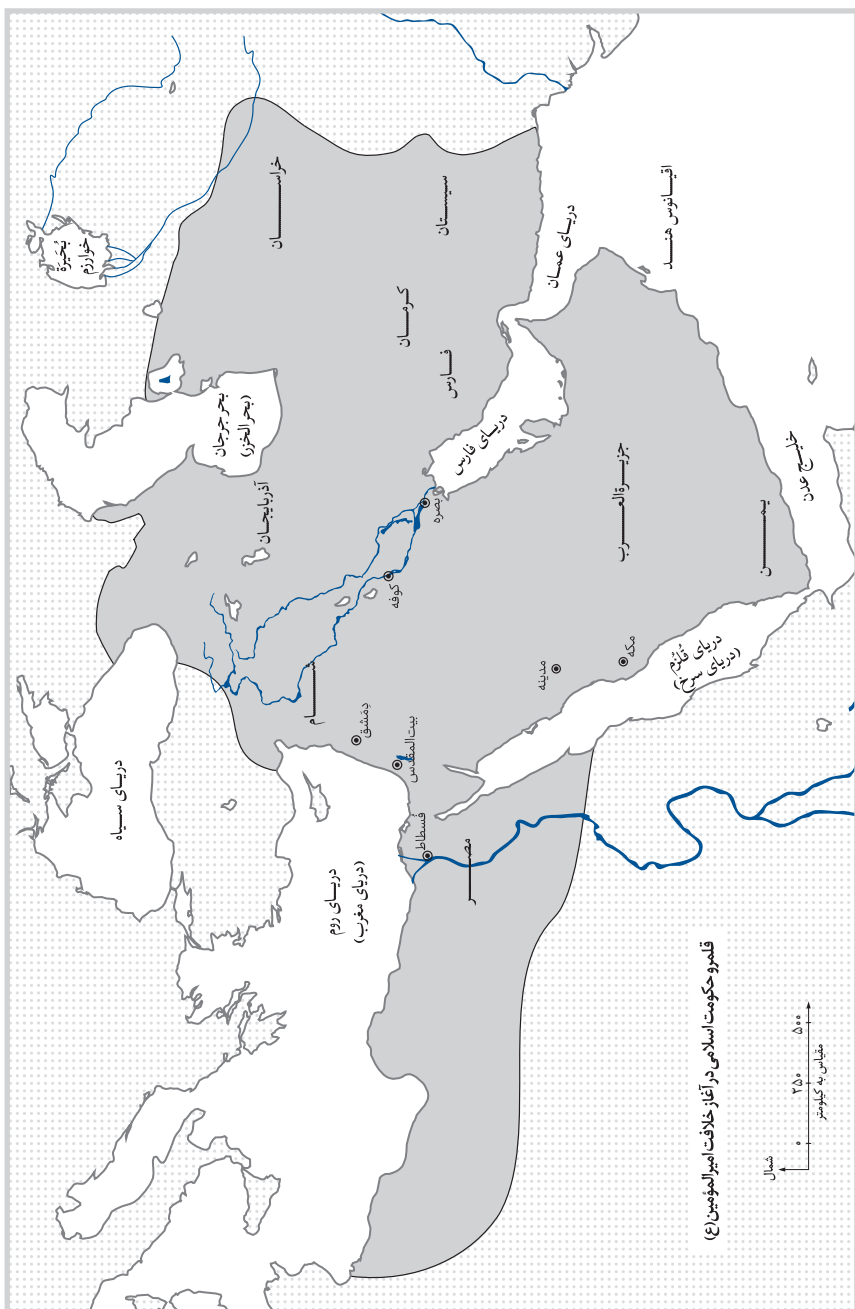
شما در حال مشاهده فایل نمونه کتاب "ترجمه الغارات" هستید. این نمونه رایگان صرفاً شامل قسمت‌هایی از کتاب است.

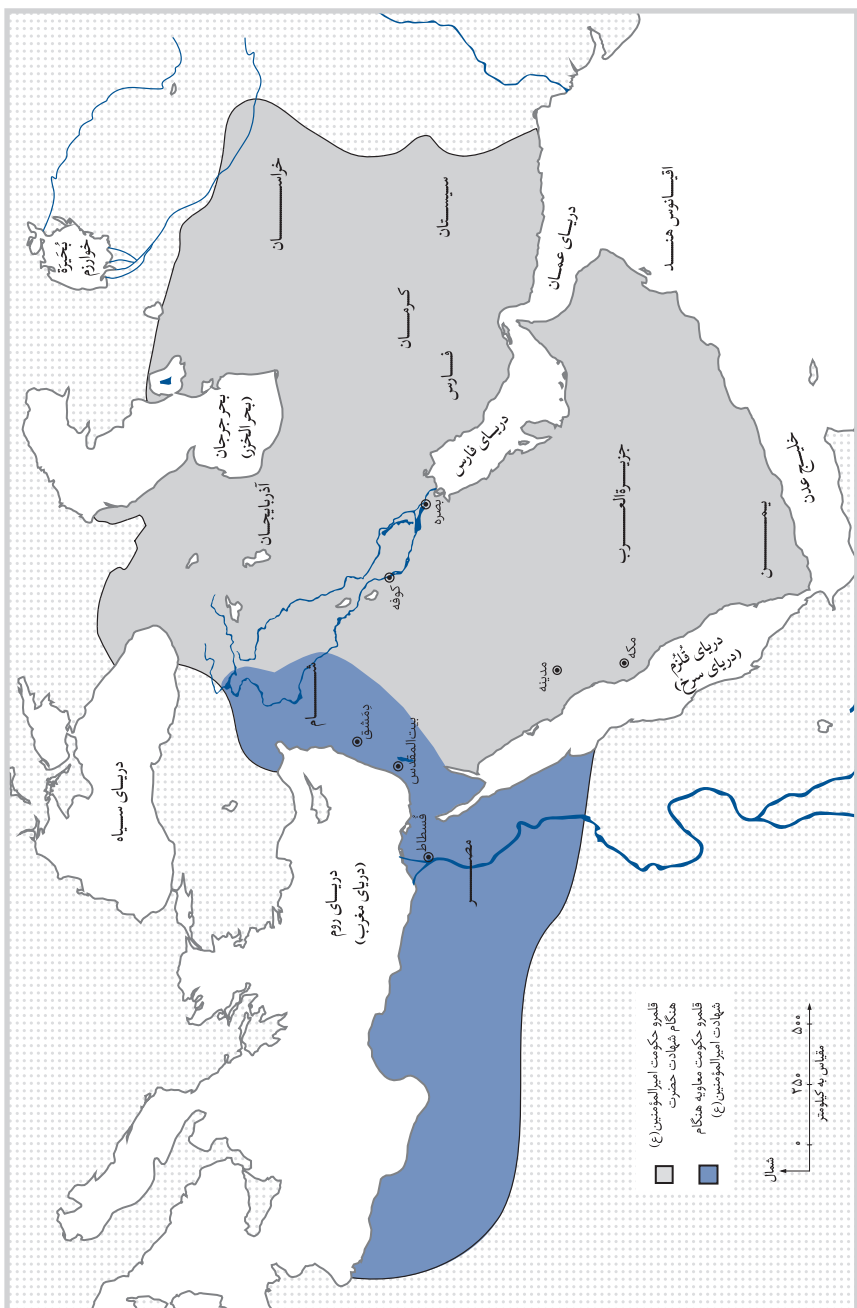
برای خرید کتاب به نشانی زیر مراجعه فرمایید:

<http://panahian.ir/post/3200>











فهرستها

فهرست منابع

١. الأخبار الطوال، دينورى، ابوحنيفه احمد بن داود (م ٢٨٢)، تحقيق عبد المنعم عامر، مراجعه جمال الدين شىال، منشورات الرضى، قم، ١٣٦٨ ش.
٢. البلدان، ابو عبد الله احمد بن محمد بن اسحاق الهمذانى المعروف بابن الفقيه (م ٣٦٥)، تحقيق يوسف الهادى، منشورات عالم الكتب، بيروت، ١٩٩٦/١٤١٦، الطبعة الأولى.
٣. تاريخ الأمم و الملوك، أبو جعفر محمد بن جرير الطبري (م ٣١٠)، تحقيق محمد أبو الفضل ابراهيم، نشر دار التراث، بيروت، ١٩٦٧/١٣٨٧، الطبعة الثانية.

۴. تاریخ خلیفه بن خیاط، أبو عمرو خلیفه بن خیاط الليثي العصفري الملقب بشباب (م ۲۴۰)، تحقیق فواز، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۹۹۵/۱۴۱۵، الطبعة الأولى.
۵. تاریخ اليعقوبی، احمد بن أبی یعقوب بن جعفر بن وهب واضح الكاتب العباسی (م بعد ۲۹۲)، نشر دار صادر، بیروت، بی تا.
۶. جمل من انساب الأشراف، أحمد بن يحيى بن جابر البلاذري (م ۲۷۹)، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، دار الفکر، بیروت، ۱۹۹۶/۱۴۱۷، الطبعة الأولى.
۷. شرح نهج البلاغة، ابن أبي الحديد، عبد الحميد بن هبة الله (م ۶۵۶)، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، نشر مکتبة آية الله المرعشي النجفي، قم، ۱۴۰۴ق، چاپ اول.
۸. الصحيح من سيرة الامام على (ع)، سيد جعفر مرتضى العاملي (م ۱۴۴۱)، نشر المركز الإسلامي للدراسات، بیروت، ۲۰۱۲/۱۴۳۳، الطبعة الأولى.
۹. الفتوح، أبو محمد أحمد بن اعثم الكوفي (م ۳۱۴)، تحقیق علی شیری، نشر دار الاضواء، بیروت، ۱۹۹۱/۱۴۱۱، الطبعة الأولى.
۱۰. فتوح البلدان، أبو الحسن أحمد بن يحيى البلاذري (م ۲۷۹)، دارو مکتبة الهلال، بیروت، ۱۹۸۸.
۱۱. لسان العرب، ابن منظور، محمد بن مکرم (م ۷۱۱)، تحقیق جمال الدین میردامادی، نشر دارالفکر للطباعة والنشر والتوزيع- دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ق، چاپ سوم.

۱۲. مروج الذهب و معادن الجواهر، أبو الحسن علي بن الحسين بن علي المسعودي (م ۳۴۶)، تحقيق اسعد داغر، نشر دار الهجرة، قم، ۱۴۰۹، چاپ دوم.
۱۳. المصباح المنير في غريب الشرح الكبير، فيومي، أحمد بن محمد (م ۷۷۰)، نشر مؤسسه دار الهجرة، قم، ۱۴۱۴ق، چاپ دوم.
۱۴. المعارف، أبو محمد عبدالله بن مسلم ابن قتيبة (م ۲۷۶)، تحقيق ثروت عكاشة، الهيئة المصرية العامة للكتاب، قاهره، ۱۹۹۲، الطبعة الثانية.
۱۵. معجم البلدان، شهاب الدين ابو عبدالله ياقوت بن عبدالله الحموي (م ۶۲۶)، منشورات دار صادر، بيروت، ۱۹۹۵، الطبعة الثانية.
۱۶. المعجم الوسيط، ابراهيم مصطفى، احمد حسن زيات، حامد عبدالقادر، محمد علي النجار، مكتبة الشروق الدولية، قاهره، ۲۰۰۴/۱۴۲۵، الطبعة الرابعة.
۱۷. مقالات الإسلاميين واختلاف المصلين، أبو الحسن علي بن إسماعيل بن أبي بردة بن أبي موسى الأشعري (م ۳۲۴)، تحقيق نعيم زرزور، انتشارات المكتبة العصرية، بيروت، ۲۰۰۵/۱۴۲۶، الطبعة الأولى.
۱۸. النهاية في غريب الحديث و الأثر، ابن اثير جزري، مبارك بن محمد (م ۶۰۶)، تحقيق محمود محمد طناحي، نشر مؤسسه مطبوعاتي اسماعيليان، قم، ۱۳۶۷ش، چاپ چهارم.
۱۹. نهج البلاغة، شريف الرضي، محمد بن حسين (م ۴۰۶)، تحقيق صبحي صالح، نشر هجرت، قم، ۱۴۱۴ق، چاپ اول.



فهرست تفصیلی

۷	مقدمه
۱۳	اشاره
۱۷	توضیحاتی در مورد کتاب حاضر
۲۱	پیوست؛ خلاصه‌ای از دوران خلفا و نیمه اول حکومت امیرالمؤمنین (ع)
۳۱	فضای حاکم بر جامعه پس از جنگ نهروان
۳۳	رابطه مردم با امیرالمؤمنین (ع) بعد از جنگ نهروان
۳۹	بازگشت از نهروان به کوفه برخلاف نظر امام (ع)
۴۳	تلاش امیرالمؤمنین (ع) برای آماده شدن دوباره مردم برای جنگ با شامیان
۵۱	محورهای اصلی اتفاقات این دوره
۵۳	۱. تلاش معاویه برای تصرف مناطقی از قلمرو حکومت امام (ع)
۵۵	الف) تصرف مصر
۵۵	اوضاع مصر در انتهای خلافت عثمان
۵۷	فرمانداری قیس بن سعد بر مصر
۵۹	مکاتبه معاویه و قیس بن سعد
۶۲	رسیدن خبر صلح قیس با معاویه به امام (ع)
۶۴	عزل قیس بن سعد از حکومت مصر
۶۶	فرمانداری محمد بن ابی بکر بر مصر
۶۸	حکومت محمد بن ابی بکر و وخامت اوضاع مصر

- انتخاب مالک اُشتر برای فرمانداری مصر ۷۰
- شهادت مالک اُشتر با دسیسه معاویه ۷۱
- تأسف امیرالمؤمنین (ع) در شهادت مالک اُشتر ۷۳
- ناراحتی محمد از برکناری و دلجویی حضرت از او ۷۵
- تلاش معاویه برای تصرف مصر پس از حکمیت ۷۷
- لشکرکشی عمرو عاص به مصر ۸۰
- شهادت محمد بن ابی بکر ۸۴
- نامه‌های امام به دست معاویه رسید ۸۷
- تلاش امیرالمؤمنین (ع) برای حفظ مصر ۸۹
- نرسیدن سپاه امام به کمک محمد بن ابی بکر ۹۲
- اعلام خبر شهادت محمد بن ابی بکر توسط امام (ع) ۹۳
- رساندن خبر شهادت به ابن عباس در بصره ۹۵
- ب) تلاش برای تصرف بصره ۹۹**
- نامه معاویه به عمرو عاص و مشورت گرفتن از او ۱۰۰
- اعزام ابن حُضرمی به بصره ۱۰۲
- اختلاف بین بصریان در حمایت کردن از ابن حُضرمی ۱۰۳
- نامه معاویه به مردم بصره ۱۰۵
- درخواست ابن حُضرمی از قبیله اُزد ۱۰۶
- پناهنده شدن زیاد بن اُبیّه به قبیله اُزد ۱۰۷
- نامه زیاد بن اُبیّه به عبدالله بن عباس ۱۰۷
- نماز جمعه زیاد بن اُبیّه بین قبیله اُزد ۱۰۸
- تلاش ابن حُضرمی برای تصرف دارالایماره ۱۱۰
- امتناع قبیله اُزد از رهاکردن زیاد ۱۱۰
- اعزام فردی از طرف امیرالمؤمنین (ع) به بصره ۱۱۱
- اقدامات اُعین برای مقابله با ابن حُضرمی ۱۱۴
- کشته شدن اُعین به دست خوارج و نامه دوباره زیاد به کوفه ۱۱۵
- فرستادن جاریه بن قدامه به بصره ۱۱۶
- درگیری جاریه و ابن حُضرمی ۱۲۰

۲. فساد و فرار برخی از اصحاب به سمت معاویه

- ۱۲۳ دزدی حاکم فارس از بیت المال
- ۱۲۵ فرار فرماندار گشگر به سوی معاویه
- ۱۲۷ فرار حاکم منطقه «ری» به سمت معاویه
- ۱۲۹ فرار نجاشی شاعر به سوی معاویه
- ۱۳۳ شراب خواری در ماه رمضان
- ۱۳۳ ناراحتی و اعتراض اهل یمن
- ۱۳۶ ورود نجاشی و طارق بر معاویه
- ۱۳۹ عقیل بن ابی طالب
- ۱۴۰ عقیل در مجلس معاویه
- ۱۴۲ گفتگوی دیگری بین معاویه و عقیل
- ۱۴۳ فرار یکی از حکام ایالت فارس به سوی معاویه

۳. شورش گروه‌هایی از خوارج

- ۱۴۹ شورش خریث بن راشد
- ۱۵۹ فرستادن معقل برای جنگ با خریث
- ۱۶۳ فرار خریث و فتنه دوباره
- ۱۶۷ نامه امام به طرفداران خریث
- ۱۷۱ جنگ دوباره معقل با خریث
- ۱۷۳ رفتار معقل با بازماندگان جنگ
- ۱۷۷ نظر امام (ع) در مورد شخصیت خریث

۴. اقدامات معاویه برای تصاحب شئون «امیر مؤمنان»

- ۱۸۱ تلاش برای گرفتن زکات مناطق تحت حکومت امام (ع)
- ۱۸۱ گرفتن زکات سماوه
- ۱۸۲ تلاش برای گرفتن صدقات دومة الجندل
- ۱۸۵ تلاش برای در دست گرفتن حج
- ۱۹۳ انتصاب امیر برای مناطق مختلف توسط معاویه

۵. غارات و شبیخون‌های معاویه

۱۹۹	غارت ضحاک بن قیس
۲۰۲	جواب ندادن مردم به ندای یاری خواهی امام (ع)
۲۰۳	نامهٔ عقیل به امیرالمؤمنین (ع)
۲۰۷	غارت نعمان بن بشیر
۲۰۷	میانجی‌گری نعمان از طرف معاویه
۲۰۹	فرار نعمان به سمت معاویه
۲۱۱	غارت در امتداد ساحل رود فرات
۲۱۳	تلاش امام (ع) برای جمع کردن نیرو
۲۱۵	نامهٔ پیروزی مالک بن کعب و شرمندگی مردم کوفه
۲۱۶	نفرین مردم کوفه توسط امیرالمؤمنین (ع)
۲۱۹	غارت سفیان بن عوف بر انبار
۲۱۹	دستور معاویه به سفیان برای حمله
۲۲۰	شبیخون به انبار به نقل از فرماندهٔ معاویه
۲۲۲	شبیخون به انبار به نقل از یکی از لشکریان امام
۲۲۳	خطبهٔ امام (ع) پس از رسیدن خبر غارت و فراخوان جنگ
۲۲۵	نرسیدن لشکر امام به لشکر معاویه و خطبهٔ امام
۲۳۲	فراخوان برای رفتن به جنگ با معاویه
۲۳۵	غارت «بُسر بن أُرطاة»
۲۳۹	حرکت بُسر بن أُرطاة به دستور معاویه
۲۳۹	ورود بُسر بن أُرطاة به مدینه
۲۴۱	جنایت‌های بُسر در مکه و مسیر آن
۲۴۲	دستور کشتن شیعیان ثباله
۲۴۳	کشتن فرزندان عبیدالله بن عباس
۲۴۴	جنایات بُسر بن أُرطاة در یمن
۲۴۶	خطبهٔ امام برای جمع‌آوری نیرو
۲۴۹	حرکت جاریهٔ بن قُدامه برای مقابله با بُسر
۲۴۹	توصیه‌های امیرالمؤمنین (ع) به جاریه
۲۵۱	استقبال وائل بن حجر از بُسر و کمک به او

- ۲۵۲ جاریه بن قدامه در تعقیب بُسر
 ۲۵۳ شیمانی مردم و قصد جنگ دوباره با شام و شهادت حضرت
 ۲۵۵ تعقیب بُسر در حجاز توسط جاریه
 ۲۵۷ نفرین امیرالمؤمنین (ع) بر بُسر و عاقبت او

۲۵۹ پیش بینی امام (ع) از عاقبت عدم مقاومت در برابر دشمن

- به وضعی گرفتار می شوید که آرزو می کنید کاش همراه من می جنگیدید و کشته می شدید
 ۲۶۱ زمانی به یاد می آورید که در جهاد چه منافی بود که یادآوری سودی ندارد
 ۲۶۲ یا می جنگید یا گرفتار عذاب زمامداران بد می شوید
 ۲۶۴ پس از من بلاها بر شما فرود خواهد آمد
 ۲۶۵ پیش بینی اختلاف و کشتار پس از آن حضرت
 ۲۶۷

۲۷۱ سیره امیرالمؤمنین (ع)

- سیره امام علی (ع) در مورد بیت المال مسلمانان
 ۲۷۳ جارو کردن بیت المال
 ۲۷۳ تقسیم مساوی بیت المال بین مردم
 ۲۷۴ درخواست برخی اصحاب برای ترجیح اشراف
 ۲۷۴ دوری کردن از حق خود در بیت المال
 ۲۷۸ دستورات امیرالمؤمنین (ع) به عامل جمع آوری زکات
 ۲۷۹ سیره شخصی امیرالمؤمنین (ع)
 ۲۸۱ لباس خریدن امیرالمؤمنین (ع)
 ۲۸۴ فقر امیرالمؤمنین (ع) در زمان خلافت
 ۲۸۵ اموال امام (ع) در زمان حکومت
 ۲۸۷ مسلمان شدن دزد نصرانی با دیدن رفتار امام (ع)
 ۲۸۷ شکایت اشعث از رفتار خوب امام (ع) با موالی (غیر عرب ها)
 ۲۸۸

۲۹۵ فهرست ها

- ۲۹۵ فهرست منابع
 ۲۹۹ فهرست تفصیلی

A Translation of Al-Gharat:

Untold Years in the Rule of Imam Ali (as)

With an Introduction by
Ali Reza Panahian



Published by:
Bayan Ma'navi Publications